





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



خدایا درود فrst بر علی بن محمد، جانشین اوصیا، و پیشوای پرهیزگاران،

و یادگار امامان دین، و حجت بر همه آفریدگان.

خدایا چنانکه او را نوری قرار دادی، که مؤمنان به وسیله او روشنی جویند،

پس به پاداش شایانست مژده داد، و به کیفر دردناکت بیم داد، و از صولتت بر حذر داشت،

و آیاتت را به یاد مردم انداخت، و حلال را حلال و حرامت را حرام کرد،

و قوانین و واجباتت را بیان فرمود، و مردم را به بندگیات ترغیب نمود و به طاعتت فرمان داد،

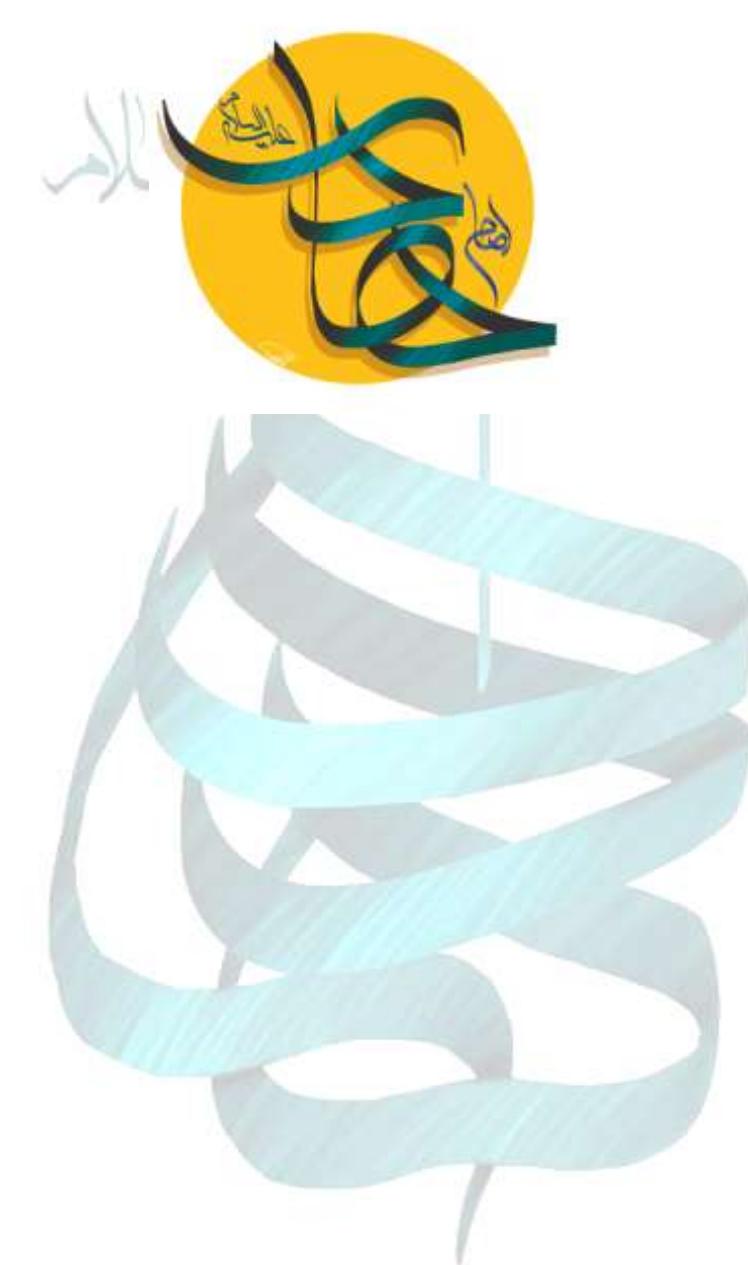
و از نافرمانیات بازداشت،

پس بر او درود فrst،

برترین درودی که بر یکی از اولیایت، و نسل پیامبران فرستادی،

ای معبد جهانیان

اللهم صل علی محب و لام حب فخم



و چه بگویم از مدینه، ازمهد نور،

که باز در کوچه‌های مدینه پیچ و تاب می‌خورم.

که آفتاب از شرق طلوع می‌کند و شرق شیر نور می‌نوشد.

و من که مسافر تنهای جاده‌های سبز زمان بودم می‌دیدم که مهد زمین ،

گهواره‌ی فرزند مطهر جواد الائمه علیه السلام را ، در آغوش سبز خویش،

غرق گلهای معطر یاس ، به حاکیان و خاکنشیان نشان می‌داد.

کوکب نور و هدایت به زمین هبوط کرده بود.

و خورشید به جان‌های خسته می‌تابید ،

و دل‌ها و دیدگان در انوار مقدس و نورانی‌اش ، غرق در نور و شعله.

امام هادی علیه السلام، کوکی نه ساله، با لوای هدایت بشری بر دوش‌های استوارش،

بر در و دیوار زمانه نقش عشق می‌کشید.

او که آفتاب، گرمای حیات‌بخش خویش را از قلب مهربان او وام می‌گیرد.

امام علی النقی علیه السلام، امام پاکی‌ها.

نام مادر گرامی امام علیه السلام سمانه مغربی بود که امام هادی علیه السلام درباره‌اش فرمود:

مادرم عارفه است به حق من ، و او از اهل بهشت است و نزدیک نمی‌شود به او شیطان رجیم،

و نمی‌رسد به او مکر جبار عنید و خداوند او را نگهبان و حافظ است.^۱

و امام خویش را می‌دیدم که پس از شهادت پدر گرامی‌شان بیش از بیست سال در مدینه ماندند و

شیعیان و دانش‌طلبان و علماء در محضر ایشان جمع می‌شدند ،

و امام علیه السلام در زیر کنترل شدید حکام زمان بودند.

^۱ - منتهی آلامال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۱۱.

و پس از آن متوكل عباسی، امام علیه السلام را به پایتخت خویش فرا خواندند ، و اقامتِ اجباری بیش از بیست سال را بر ایشان تحمل کردند تا میان امام و شیعیان پدرانش که امامت او را پذیرفته بودند و از لحاظ تعداد در آن تاریخ بیش از هر زمان دیگری بیشتر بودند، فاصله ایجاد کنند.

و در حوادث سال ۲۳۶ بود که متوكل در آن سال قبر امام حسین علیه السلام را ، خراب و با خاک یکسان نمود ، و آنگاه دستور داد زمین را شخم بزنند و بکارند تا آثاری از آن بجای نماند.

و بسیاری از زائران قبر امام حسین علیه السلام را از دم تیغ گزراند ، و سرانجام مالیات‌های سنگین و انواع مجازات‌ها را بر ایشان مقرر کرد ،

تا دست از زیارت امام علیه السلام بکشد.

و امام هادی علیه السلام در زمانه‌ای اینچنین سرهای از سیاست و سیاستمداران روی گرداند و از طریق دفاع از اصول اسلام و نشر فروع آن به خدمت اسلام همت گماشت.

و با شکاکان و ملحدان مناظره کرد و با منطق و حجت به پرسش‌های آنان پاسخ می‌داد ،

تا اینکه آن شکاکان در پایان مناظره با ایشان قانع شده و نظریات ایشان را می‌پذیرفتند.

و امام هادی علیه السلام همانند اجداد طاهرینش ، با افراط و افراطیون قاطعانه برخورد می‌نمودند و بیزاری خود را از آنان به واسطه کفر و الحادشان اعلام می‌کردند.

امام هادی علیه السلام پس از شهادت پدر گرامی‌شان، بیش از بیست سال در مدینه باقی ماندن، مردم به ایشان عشق می‌ورزیدند و به دورش گرد می‌آمدند ،

و علماء و دانش‌طلبان در محضر ایشان جمع می‌شدند.

همچنان که شیعیان نیز در زمان آن حضرت تعدادشان از همیشه بیشتر بود، با نامه‌نگاری و مکاتبه با ایشان در پیوند بودند ، و در مسائل دینی و برای حل مشکلات خود از ایشان کمک می‌گرفتند . ولی علی‌رغم اینها، امام علیه السلام در همه حالات خود زیر کنترل شدید حکام زمان بودند.

و بريحه عباسی يکی از ياران متوكل به او نوشته:

اگر می خواهی حرمین را از دست ندهی علی بن محمد (امام هادی عليه السلام)
را از آنجا بیرون کن. چرا که او مردم را به خود می خواند و خلق بسیاری از او پیروی می کند.
و نامه هایی از این دست به متوكل فزوئی گرفت.

و سرانجام متوكل با نامه ای سراپا فریب و نیرنگ برای امام عليه السلام نوشته که:

« امیر المؤمنین به تو مشتاق است و خوش دارد ولايت عهدی را به تو بسپارد ،
و اگر خوش داشته باشی به دیدار ما آیی ، و هر که را خواستی به همراه آوری ،
و هر وقت خواستی بیایی و هر کجا خواستی و به هر گونه، اقامت گزینی .
و اگر خوش داشتی که یحیی بن هرثمه خدمتکار امیر المؤمنین و سربازان هماهش، در خدمت
باشد چنین مقدر می دارم.

حال با خدای استخاره کن تا به حضور امیر المؤمنین رسی

والسلام عليك ورحمة الله وبركاته»

و امام عليه السلام به ناچار به نامه اش پاسخ مثبت داد.

و متوكل ، یحیی بن هرثمه و هماهنش را دستور داد تا منزل امام را به دقت مورد بازرسی قرار
دهند ، زیرا جاسوسانش در مدینه به اطلاعش رسانده بودند که امام عليه السلام سلاح گرد می آورد ،
و مردانی را برای قیام عليه او تدارک می بینند.

هرثمه می گوید: وقتی وارد مدینه شدم، مردم به وحشت افتادند و از ترسِ جان امام هادی
(عليه السلام) به طور بی سابقه ای به ناله و زاری افتادند ، و من به آرام کردن مردم می پرداختم ،
و سوگند یاد می کردم که دستور ندارم کمترین کاری ناخواهایند و رفتاری بد داشته باشم ،
و اینکه هیچ خطری متوجه امام (عليه السلام) نیست.

و امام هادی علیه السلام را با هر تمھیدی بود با خود به سامرا برند ،

و در راه بین مدینه تا سامرا ، کراماتی چند از امام علیه السلام دیده شد.

و متوكل در آن روزی که حضرت به سامرا رسید ایشان را به حضور نپذیرفت ،

و روز بعد اجازه حضور داد.

متوكل در سامرا نیز تمام فعالیت‌ها و حرکت‌های امام علیه السلام را زیر نظر داشت ،

و شیعیان نیز غالباً از طریق مکاتبه بایشان دسترسی داشتند.

و دردمدانه امام خویش را می‌دیدم که به دستور متوكل در دل شب بر خانه‌اش یورش برند ،

و ایشان را با قبایی باقته شده از موی بز که بر تن داشتند و ملافه‌ای پشمی بر سر ، در حال تلاوت

آیات متبرک نور به محضر متوكل کشانند.

و امام علیه السلام در حالی به حضور متوكل رسید که او مشغول میگساری بود ،

و جام می‌بدست داشت.

متوكل جام را به امام داد.

امام علیه السلام فرمود:

به خدا گوشت و خون من هرگز با می‌آلوده نشده است و مرا از آن معاف دار.

متوكل به ایشان گفت: پس برایم شعری بخوان.

امام علیه السلام عذر خواست و فرمود: من از شعر چندان چیزی به خاطر ندارم.

و متوكل پافشاری می‌کرد و عذری را نمی‌پذیرفت.

و امام علیه السلام این اشعار را بر زبان جاری ساخت:

- بر قله کوه‌ها مانند و مردان قوى، از آنان نگهبانى کردنده ولی اين قله‌ها چه سودى به آنها رساند.

- و پس از عزتى که داشتند از برج و باروی خویش به زیر کشانده شدند و به گودالى درافتادند ،

و چه افتادن بدی.

- فریادی آنان را پس از به خاک سپردن شان ندا داد که کو آن خاندان و تاج و زیورها.

- کجاست آن چهره‌هایی که برافروخته بود و غرق نعمت، که بر زیرستانشان تحکم می‌کردند.

- قبرها به زبان آمده و در پاسخ این پرسش گفتند که اینک بر چهره‌ها، کرم‌ها، در رفت و آمدند.

- چه بلند زمانی که خوردند و آشامیدند ولی اینک خود پس از آن همه خوردن، خورده شدند.

- و چقدر خانه و کاخ برای خویش ساختند تا آنان را پاس دارد، ولی اینک خانه‌ها و خاندان را

رها کرده و به آن دیار رفتد.

- چه مدت که اموال را گرد آورده و ذخیره کرده ولی اینک آنها را برای دشمنان بجای گذارده

و رفتد.

- خانه‌هایشان و کاخ‌هایشان به ویرانه‌ای مبدل شد، و ساکنان آنها به گور سپرده شدند.

امام علیه السلام به خواندن چنین اشعاری که متوكل انتظار نداشت ادامه داد،

و متوكل آنچنان بلند گریه می‌کرد که از اشک صورتش خیس شد،

حاضران نیز از گریه‌اش، به گریه افتادند،

آنگاه دستور داد شراب‌ها را جمع کردند و امام علیه السلام را با احترام روانه منزل کرد.

و سرانجام شهادت امام هادی علیه السلام روز دوشنبه چهار روز مانده به پایان جمادی الآخر سال

۲۵۴ هجری بود و مردم کنیزکی را دیدند که می‌گفت:

چه چیزها که در دوشنبه ما دیده‌ایم.^۲

^۲ - اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام، هاشم معروف الحسنی، ترجمه محمد مقدس، ج ۰۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

برخی از اقدامات امام هادی علیه السلام

۱ ایجاد آمادگی فکری شیعیان جهت ورود به عصر غیبت

فراهم کردن زمینه ورود شیعه به عصر غیبت، از اقدامات اساسی امامان شیعه علیه السلام بود،
که همواره شیعیان را متوجه این امر می کردند.

در این راستا امام هادی علیه السلام هم اقداماتی انجام داده اند:

الف _ بیان روایات فراوان در مورد فراسیدن و نزدیک بودن عصر غیبت؛

ب _ بشارت به ولادت حضرت حجت و مخفی بودن ولادت و هشدار این که مبادا مخفی بودن باعث تردید شما شیعیان گردد؛

ج _ کم کردن تماس مستقیم شیعیان با حضرت؛

به طوری که در سامرا مسائل شیعیان از طریق نامه یا نمایندگان حضرت پاسخ داده می شد؛ تا از قبیل برای شرایط و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آمادگی داشته باشند؛

د _ تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی شیعه

و _ ارجاع سوالات شیعیان به وکلا و توجیه وکلا نسبت به پرسش های شیعیان؛
با توجه به انحرافات و شباهات آن روز.

۲ مبارزه با انحرافات

غالیان کسانی بودند که بر مبنایی نادرست، امامان معصوم علیه السلام را تا مقام خدایی (نعموندی الله) بالا می برند.

امام هادی علیه السلام ، همانند امامان قبلی ، موضع خویش را در قبال آنان روشن می ساخت و آنان را از گروه شیعه نمی دانست ، و حتی در نامه های مختلف، غالیان را افرادی مشرک و کافر معرفی

می فرمود و بیزاری خویش را از آنان به صورت آشکار اعلام می نمود.

گروه دیگری از منحرفان، صوفیان بودند که معمولاً با کناره گیری از دنیا، به شکل ریاکارانه در مقابل امام هادی علیه السلام می ایستادند.

امام هادی علیه السلام شیعیان را از نزدیک شدن و هم نشینی با آنان و ورود به جلسه هایشان به شدت بر حذر می داشت، و آنان را هم نشینان شیطان و نابود کننده پایه های دین، و پیروان این گروه را ندانان می دانست، و کسانی را که به آنها گراپیش پیدا می کردند، احمق معرفی می فرمود.

۳_ تربیت نیرو و افراد شایسته

یکی از اقدامات و فعالیت های ائمه علیه السلام پرورش شاگردان و افراد شایسته بوده است.

امام هادی علیه السلام نیز با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شباهات و انحرافات، نیروهایی را که استعدادهای لازم را داشتند شناسایی کرده و آنان را جهت پیش برد اهداف اسلامی تربیت می فرمودند.

این افراد افزون بر راویانی هستند که سخنان و روایات امام هادی علیه السلام را نقل می نمودند. برخی از این افراد همان کسانی هستند که وکالت آن حضرت را عهده دار بودند.

بر جسته ترین این افراد عبارتند از:

۱. عبدالعظيم حسنی (ره)، که مرقد وی در شهر ری می باشد و از پاران امام عسکری علیه السلام بوده است.
۲. حسن بن راشد، مشهور به ابوعلی و وکیل امام هادی علیه السلام بوده است.
۳. عثمان بن سعید عمری، که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام بود و بعدها یکی از ناییان خاص امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشریف شده است.

۴_ تقویت سازمان وکالت

با توجه به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان و پراکندگی شیعیان در اقصی نقاط بلاد اسلامی و با وجود خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان،

و از همه مهمتر با توجه به اینکه امام علیه السلام در حصر و تحت نظرات و کنترل بوده اند، خیلی از شیعیان در بلا تکلیفی به سر می برند.

به همین علت سازمان وکالت که به صورت مخفی شکل گرفته بود و از زمان امام صادق علیه السلام فعالیت خود را آغاز نمود،

در دوران امام هادی علیه السلام نیاز به تمهیدات بیشتری داشت.

در زمان امام هادی علیه السلام شیعیان ایران، عراق، یمن و مصر ارتباط مستمر و خوبی با حضرت داشتند.

وکلای امام علیه السلام علاوه بر جمع آوری خمس و ارسال آن به امام علیه السلام ، در مسائل کلامی و فقهی نیز نقش سازنده ای داشته اند .

و در جا انداختن امامت امام بعدی ، و ورود شیعه به عصر غیبت، تلاش خستگی ناپذیری از خود به نمایش گذاشتند.

(البته گاهی افرادی از این وکلا دستخوش انحراف از خط امام علیه السلام شده و مورد تکذیب آن حضرت هم واقع می شدند. در این شرایط کسان دیگری جایگزین آنها می شدند.)
این شبکه ارتباطی چنان اهمیت داشت که متوكل را به فکر کنترل و نابودی آن انداخت ، و با تشکیل نیروهایی ویژه به دستگیری، شکنجه، حبس و شهادت برخی از وکلای امام علیه السلام در نقاط مختلف اقدام کرد؛ اما موفق نشد این شبکه گسترده را از میان بردارد.

۵ _ تبیین مقام شامخ امامت از طریق :

زیارت جامعه

و

زیارت غیریه

در زمان امام هادی علیه السلام اصل امامت باید معرفی می گردید؛
چون ائمه علیهم السلام و فضائل و جایگاه ایشان رو به فراموشی می رفت.
امام هادی علیه السلام پدران و اجداد گرامی خود را با بیان زیارات معرفی می کردند.
مجموعه این زیارات و ادعیه به عنوان یک دائرة المعارف شیعه به حساب می آید ،
و در بردارنده دلایل بسیار استوار در حقانیت ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام می باشد.

الف _ زیارت جامعه کبیره

این زیارت از مشهورترین ، برترین و شناخته شده ترین زیارات ائمه علیهم السلام است.
شیعیان نسبت به خواندن آن بخصوص روزهای جمعه توجه خاصی دارند.
شیخ طوسی (ره) در التهذیب و شیخ صدوق (ره) در الفقیه آن نقل کرده اند.
علامه مجلسی (ره) در مورد صحت سند آن - که به درجه قطع رسیده - می گوید:
«این زیارت دارای بهترین سند، عمیق ترین مفهوم، فصیح ترین الفاظ، بلیغ ترین معنا ،
و عالی ترین شأن است.

امام هادی علیه السلام در این زیارت شاخصه ها و پایه های اصلی شیعه را بیان فرمودند.

ب_ زیارت غدیریه

این زیارت به زیارت امیر المؤمنین در عید غدیر خم معروف است.

در سالی که معتصم امام علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند،

ایشان به زیارت امام علی علیه السلام در نجف اشرف رفت و این زیارت را قرائت کردند ،

که در ضمن آن یکصد و پنجاه منقبت از مناقب امام علی علیه السلام بیان فرموده ،

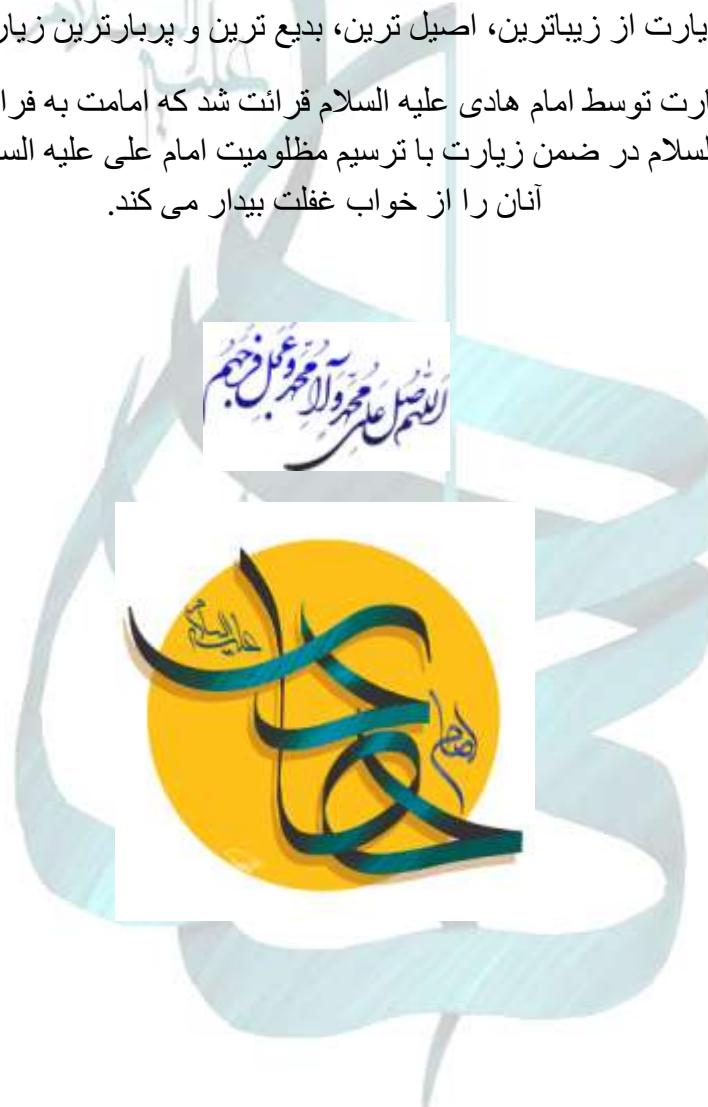
و از برخی مشکلات سیاسی و اجتماعی که ایشان را آزرده کرده بود، سخن گفتند.

این زیارت از زیباترین، اصیل ترین، بدیع ترین و پربارترین زیارت هاست.

در زمانی این زیارت توسط امام هادی علیه السلام قرائت شد که امامت به فراموشی سپرده شده بود .

امام هادی علیه السلام در ضمن زیارت با ترسیم مظلومیت امام علی علیه السلام و هشدار به مردم،

آن را از خواب غفلت بیدار می کند.





 شخصیت امام هادی (علیه السلام)
 از نگاه دیگران

بن شهرآشوب درباره حضرت می‌گوید: از همه خوش سیماتر و راستگوتر بود، زیبایی ایشان از نزدیک دل‌ها را می‌ریود و کلامشان از دور خردها را سرگشته می‌کرد.
 هنگامی که لب می‌گشودند زیبایی کلامشان دیگران را شیفته می‌کرد و هنگامی که لب فرو می‌ستند هیبت و وقارشان فضا را سنگین می‌کرد.
 ایشان شاخه‌ای از بهترین شاخه‌های درخت نبوت و امامت بشمار می‌رفت.

منبع: المناقب، ج ۴

حلاله عبادت‌لاری مخاطب‌اللهم العاذ بالله



يا أبا الحَسَن يا عَلَى بْنُ مُحَمَّدِ أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ يا بْنُ رَسُولِ اللهِ

يا حُجَّةَ اللهِ عَلَى خَلْقِهِ

يا سَيِّدَنا وَمَوْلَينَا

إِنَّا تَوَجَّهُنَا وَاسْتَشْفَعُنَا وَتَوَسَّلُنَا بِكَ إِلَى اللهِ

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنَا

يا وَجِيهًا عِنْدَ اللهِ

إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللهِ

ای ابا الحسن، ای علی بن محمد، ای هادی نقی، ای فرزند فرستاده خدا،

ای حجت خدا بر بندگان،

ای آقا و مولای ما،

به تو روی آوردم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم،
 و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،
 ای آبرومند نزد خدا،
 برای ما نزد خدا شفاعت کن،





نکته ای که در مردم زندگی حضرت امام هادی علیه السلام مهم و شایان توجه است،
دو سند بزرگ ، و دو گنجینه عظیم معرفتی و اعتقادی در حوزه امامت است ،
که از آن امام به یادگار مانده ، و در حقیقت میراث عظیم امام هادی علیه السلام برای امت اسلامی
خصوصا برای شیعیان محسوب می شود.

اول زیارت جامعه کبیره است ،

که به حق در حوزه مباحث مربوط به امامت گنجینه ای است بسیار پر عظمت و با اهمیت ،
که این متن متقن و محکم مشتمل بر دوره ای فشرده از عمیق ترین و دقیق ترین مسائل مربوط به
امامت ، از زبان امام هادی علیه السلام ، و در زمان آن امام در حقیقت به عنوان یک تحفه ، و هدیه
الهی از جانب آن بزرگوار برای امت اسلامی ، و بالاخص برای شیعیان به ارمغان گذاشته شده است.

اما دومین گنجینه عظیم که از امام هادی علیه السلام برای شیعیان به یادگار مانده،

زیارت غدیریه است ،

که یک دوره فشرده از تاریخ زندگانی سراسر عزت و آنکنه از غربت و مظلومیت امیر المؤمنین

علی بن ابی طالب(صلوات الله و سلامه علیه) می باشد.

شیخ صدق در کتاب من لا يحضره الفقيه و عيون اخبار الرضا از موسی بن عبد الله نخعی روایت

کرده که گفت خدمت حضرت هادی علیه السلام عرض کرد:

یابن رسول الله، مرا زیارتی با بلاغت تعليم فرما که کامل باشد، تا اینکه هرگاه خواستم یکی از شما را

زیارت کنم، آن را بخوانم.

فرمود: چون به درگاه حرم رسیدی، بایست و شهادتین را بگو یعنی:

أشهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَ أَشَهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ

گواهی میدهم که معبدی جز خدا نیست، یگانه و شریکی ندارد،

و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست.

در این هنگام باید با حالت غسل باشی،

چون داخل حرم شوی، و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو،

سپس اندکی با آرامش و وقار راه برو، و در این راه رفتن، گامها را نزدیک یک دیگر گذار،

آنگاه بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو،

پس نزدیک قبر مطهر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو، تا صد تکبیر کامل شود.

و شاید چنان که مجلسی اول فرموده: وجه این صد تکبیر این باشد، که اکثر طبایع مردم مایل به غلّو در

حق محبوبان خود هستند، مبادا از عبارات امثال این زیارت گرفتار غلو و افراط در اعتقاد و سخن

شوند، یا از بزرگی حق تعالی غافل گردند یا غیر این امور.

پس بکو:



السلام عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ
خُزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْحَلْمِ وَ أَصْوَلِ الْكَرَمِ وَ قَادَةِ الْأُمَمِ وَ أُولَيَاءِ النِّعَمِ وَ عَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَ دَاعِيَاتِ الْأَخْيَارِ
وَ سَاسَةِ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالَةِ النَّبِيِّينَ وَ صِرْقَةِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِتْرَةَ
خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَئِمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ الثُّقَى وَ ذَوِي

النُّهَى



سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت،

و جایگاه رسالت، و عرصه رفت و آمد فرشتگان،

و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت،

و خزانه داران بهشت،

و نهایت برداری، و ریشه های اکوم،

و رهبران امت ها، و سرپرستان نعمت ها، و بنیادهای نیکان، و استوانه های خوبان،

و رهبران سیاسی بندگان، و پایه های کشورها،

و درهای ایمان، و امینان خدای رحمان، و چکیده پیامبران، و برگزیده رسولان،

و عترت بهترین گزیده پروردگار جهانیان و رحمت و برکات خدا بر آلن باد،

سلام بر پیشوایان هدایت، و چراغ های تاریکی،

و پرچم های پرهیزگاری، و صاحبان خرد،

و أولی الحجَّى و كَهْفِ الْوَرَى و وَرَتَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَقْلُلِ الْأَعْلَى وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَى وَ حُجَّاجُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

السَّلَامُ عَلَى مَحَالٍ مَعْرِفَةُ اللَّهِ وَ مَسَاكِنِ بَرَكَةِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمْلَةِ كِتَابِ اللَّهِ وَ

أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

و دارندگان (خرد و) زیرکی، و پناهگاه مردمان، و وارثان پیامبران، و نمونه برتر، و دعوت نیکوتر و

حَجَّتْ های خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،

سلام بر جایگاه های شناخت خدا، و مسکن های برکت خدا، و معدن های حکمت خدا،

و نگهبانان راز خدا، و حاملان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر خدا،

و فرزندان رسول خدا (دروود خدا بر او و خاندانش)، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ وَ الْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاهِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَقْرِينَ (وَالْمُسْتَوْفِرِينَ) فِي أَمْرِ اللَّهِ وَ التَّامِمِينَ

فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ

وَ الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْمُظْهَرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ وَ عِبَادِهِ الْمُكَرَّمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْفَوْلِ وَ هُمْ

بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاءِ وَالْقَادِهِ الْهُدَاءِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالذَّادَهِ الْحُمَّاءِ وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولَيِ الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ

اللهِ

وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْنَةِ عِلْمِهِ

سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، و راهنمایان بر خشنودی خدا، و استقرار یافتنگان در امر خدا،

و کاملان در محبت خدا، و مخلسان در توحید خدا، و آشکار کنندگان امر و نهی خدا،

و بندگان گرامی خدا آنان که به گفتار بر خدا پیشی نمی‌گیرند، و به دستورش عمل می‌کنند،

و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،

سلام بر پیشوایان دعوت کننده، و پیشروان هدایت کننده، و سروران سرپرست،

و مدافعان حمایت کننده، و اهل ذکر و صاحبان فرمان و باقیمانه خدا و برگزیدگان او،

و گروه و صندوق دانش حق،

و حُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ (وَبُرْهَانِهِ) وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

أَشْهُدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهَدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهَدْتُ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولَوَالِعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا

إِلَهٌ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهُدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينُ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كِرَهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَشْهُدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاسِدُونَ الْمَهْدِيُونَ الْمَعْصُومُونَ

الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَقَوْنَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطَيِّعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِإِمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ

و حجّت و راه و نور و برهان خدا، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،

گواهی می‌دهم که معبدی جز خدا نیست، یگانه است، و برای او شریکی نیست،

چنان که خدا برای خویش گواهی داده، فرشتگانش و دانشمندان از بندگانش برای او گواهی دادند،

معبدی جز او نیست، عزیز و حکیم است،

و گواهی می دهم که محمد بنده برگزیده، و فرستاده پسندیده اوست، او را به هدایت و دین حق فرستاد،

تا بر همه آیین ها پیروزش گرداند هرچند مشرکان ناخوش دارند،

و گواهی می دهم که شمایید پیشوایان راهنماء، راه یافته، معصوم، مکرم، مقرّب پرهیزگار، راستگو،

برگزیده، فرمانبردار خدا، قیام کننده به فرمانش، عمل کننده به خواسته اش

الفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاكُمْ بِقُرْتَهِ وَ أَعْزَّكُمْ بِهُدَاهُ وَ
حَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَ انتَجَبُكُمْ لِنُورِهِ [بِنُورِهِ) وَ أَيْكُمْ بِرُوحِهِ وَ رَضِيَّكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّا عَلَى بَرِيَّتِهِ
وَ أَنْصَارًا لِدِينِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ حَرْنَةً لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدِعًا لِحِكْمَتِهِ وَ ثَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَ
شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ أَدَلَّاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الْزَلَلِ وَ آمَنَكُمْ
مِنَ الْفَتْنَ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ

دست یافته به کرامتش، شما را با دانشش برگزید، و برای غیش پسندید، و برای رازش انتخاب کرد،

و به قدرتش اختیار کرد، و به هدایتش عزیز نمود، و برهانش اختصاص داد، و برای نورش برگزید،

و به روحش تأیید فرمود و شما را پسندید برای جانشینی در زمینش، و دلایل محکمی بر مخلوقاتش،

و یاورانی برای دینش، و نگهبانانی برای رازش، و خزانه دارانی برای دانشش،

و محل نگهداری برای حکمتش، و مفسران وحیش، و پایه های یگانه پرستی اش، و گواهانی بر خلقش

و پرچم هایی برای بندگانش، و مراکز نوری در کشورهایش، و راهنمایانی بر راهش،

خدا شما را از لغزشها حفظ کرد، و از فتنه ها ایمن داشت، و از آلوگی پاک کرد،

و أَذَهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَمْنَمْ جَلَالَهُ وَ أَكْبَرْنَمْ شَأنَهُ وَ مَجَدْنَمْ كَرْمَهُ وَ أَدْمَنْمْ [أَدْمَنْمْ]

ذِكْرَهُ وَ وَكَدْنَمْ [ذَكَرْنَمْ] مِنْيَاثَهُ وَ أَحْكَمْنَمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَ نَصَحْنَمْ لَهُ فِي السُّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ دَعَوْنَمْ إِلَى سَبِيلِهِ

بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ بَدَلْنَمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْنَمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنِيَّهِ [حَبَّهِ] وَ

أَقْمَنْمِ الصَّلَاةَ وَ آتَيْنَمِ الرَّكَأَةَ وَ أَمْرَنَمِ بِالْمُعْرُوفِ وَ نَهَيْنَمِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْنَمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّىٰ

أَعْلَنْتُمْ دَعْوَاتِهِ وَ بَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَ أَقْتَمْتُ حُدُودَهُ وَ نَشَرْتُمْ [وَ فَسَرْتُمْ] شَرَائِعَ الْحَكَامِهِ وَ سَنَّتُمْ سُنَّتَهُ وَ صِرْتُمْ

فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضا وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ الْفَضَاءِ

و پلیدی را از شما ببرد، و پاکتان نمود، پاک کردنی شایسته پس شما هم عظیم شمردید، شوکتش را،

و بزرگ دانستید مقامش را، و ستودید کرمش را، و ادامه دادید ذکرش را، و استوار نمودید پیمانش را،

و محکم لکو دید گره طاعتش را، و در نهان و آشکار برای او خیرخواهی نمودید،

و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه او دعوت کردید، و جان خود را در خشنودی او نثار نمودید،

و بر آنچه در کنار او به شما در رسید صبر کردید،

و نماز را بپا داشتید، و زکات پرداختید، و به معروف امر نمودید، و از منکر نهی کردید،

و جهاد فی الله نمودید، آن گونه که شایسته بود، تا دعوتش را آشکار کردید، و واجباتش را بیان

فرمودید، و حدودش را بر پا داشتید، و قوانین احکامش را پخش نمودید، و روش او را انجام دادید،

و در این امور از جانب خدا به مقام رضا در رسیدید، و تسلیم قضای او گشتید،

و صَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَ الْلَّازِمُ لَكُمْ لَا حِقْ وَ الْمُقْصَرُ فِي حَقْكُمْ زَاهِقٌ وَ الْحَقُّ

مَعَكُمْ وَ فِي كُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ

عَلَيْكُمْ وَ فَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ أَدِيْكُمْ وَ عَرَائِمُهُ فِي كُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْكُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مِنْ

وَ الْأُكْمُ فَقَدْ وَالَّى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَ أَكْمُ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ [وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ] [وَ

مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ]

و رسولان گذشته او را تصدق نمودید، پس روگردان از شما خارج از دین، و ملازمتان ملحق شونده

به شما، و کوتاهی کننده در حققان قرین نابودی است، و حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی

شماتست، و شما اهل حق و سرچشمeh آن هستید و میراث نبوت نزد شماتست، و بازگشت خلق به سوی

شما، و حسابشان با شماتست، و سخن جدا کننده حق از باطل نزد شماتست، آیات خدا پیش شما، و

تصمیمات قطعی اش در شما، و نور و برهانش نزد شماست، و امر او متوجه شماست، آن که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته، و هر که به شما محبت ورزید به خدا محبت ورزیده و هر که با شما لئینه توزی نمود، با خدا کینه ورزی نموده است، و

هر که به شما چنگ زد، به خدا چنگ زده است،

أَنْتُمُ الصَّرَاطُ الْأَقْوَمُ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ] وَ شَهَادَهُ دَارُ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَ الْآيَةُ
الْمَخْرُونَهُ وَ الْأَمَانَهُ الْمَحْفُوظَهُ وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاهُمْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَأْتِهِمْ هَلَكَ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ
عَلَيْهِ تَدْلُونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ شُلُّمُونَ وَ إِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ مَنْ
وَالاَكْمُ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَكُمْ وَ حَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ
وَ سَلِيمٌ مَنْ صَدَقَكُمْ وَ هُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَكُمْ
كَافِرٌ وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ ،

شمایید راه راست تر و گواهان خانه فنا، و شفیعان خانه بقا، و رحمت پیوسته، و نشانه انباشته و امانت نگاه داشته، و درگاه حقی که مردم به آن آزموده می شوند، آن که به سوی شما آمد نجات یافت، و هر که نیامد هلاک شد، شما مردم را به سوی خدا می خوانید، و به وجود او راهنمایی می کنید، و همواره در حال ایمان به او هستید، و تسلیم او می باشید، و به فرمانش عمل می کنید، و به راهش ارشد می نمایید و به گفته اش حکم می کنید، هر که شما را دوست داشت، خوشبخت شد، و هر که شما را دشمن داشت به هلاکت رسید، و هر که شما را انکار کرد زیانکار شد و هر که از شما جدایی نمود گمراه گشت، هر که به شما تمسک جست به رستگاری رسید، و هر که به شما پناه آورد ایمنی یافت، کسی که شما را تصدق نمود سالم ماند، و هر که متمسک به شما شد هدایت یافت، کسی که از شما پیروی کرد، بهشت جای اوست، و هر که با شما مخالفت ورزید، آتش جایگاه اوست، هر که منکر شما شد کافر است، و هر که با

شما جنگید مشرک است،

وَ مَنْ رَدَ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَ جَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقَى وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتُكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهَرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقُكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بِعِرْشِهِ
مُحْدِقِينَ حَتَّىٰ مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذْنَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَاتِنَا [صَلَواتِنَا]
عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتُكُمْ طِيبًا لِخُلْقِنَا [الْخُلْقُنا] وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزْكِيَّةً [بَرَكَةً] لِنَا وَ كَفَارَةً لِذُنُوبِنَا
فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفضلِكُمْ وَ مَعْرُوفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلَّ الْمُكَرَّمِينَ

و هر که شمارا رد کرد، در پست ترین جایگاه از دوزخ است، گواهی می دهم که این شأن و مقام درگذشته برای شما پیشی داشت و برایتان در آینده زمان جاری است، و همانا ارواح و نور و سرشت شما یکی است، پاکیزه و پاک شد، برخی از آن از برخی دیگر است، خدا شمارا نورهایی آفرید، و گردآگرد، عرش خود قرار داد، تا با آوردنشان به دنیا بر ما منت نهاد، و قرارتان داد در خانه هایی که اجازه داد رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود، و درودهای ما بر شما قرار داد، و آنچه مارا از ولایت شما به آن مخصوص داشت، مایه پاکی برای خلفت ما، و طهارت برای جان ما، و تزکیه برای وجود ما، و کفاره گناهان ماست، پس ما در نزد خدا از تسلیم شدگان به فضل شما، و شناخته شدگان به تصدیق جایگاه شما بودیم، خدا شمارا به شریفترین جایگاه گرامیان

وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَا حِقٌّ وَ لَا يَقُوْقَهُ فَلَئِقٌ وَ لَا يَسِيقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّىٰ لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقْرَبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صِدِيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا دَنِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَ لَا حَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةً أَمْرِكُمْ وَ عِظَمَ خَطْرِكُمْ وَ كِبَرَ شَائِكُمْ وَ تَمَامَ نُورِكُمْ وَ صِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَ ثَبَاتَ مَقَامِكُمْ،

و برترین منازل مقرّبان، و رفیع ترین درجات فرستادگان برساند، چنان که از پرسنده ای به آن نرسد، و بالا رونده ای به آن راه نیابد، و سبقت گیرنده ای از آن پیشی نجوید، و طمع کننده ای در یافتن آن

طعم نورزد، از آنچا که باقی نمی ماند ملک مقرّبی، و نه پیامبر مرسلی، و نه صدّیقی و نه شهیدی و نه دانایی و نه نادانی و نه پستی و نه والایی، و نه مؤمن شایسته ای، و نه فاجر بدکاری، و نه گردنکش لجویی، و نه شیطان نافرمانی، و نه خلق دیگری که در این میان گواه باشد مگر اینکه خدا بر آنان بشناساند، جلالت امر شما، و عظمت مقام، و بزرگی شأن، و کامل بودن نور، و درستی مسندها و ثابت

بودن مقام،

وَ شَرْفَ مَحَلْكُمْ وَ مَنْزِلَكُمْ عِنْدُهُ وَ كَرَامَتُكُمْ عَلَيْهِ وَ خَاصَّتُكُمْ لَدِيهِ وَ قُرْبَ مَنْزِلِكُمْ مِنْهُ بِأَيِّ أَنْثُمْ وَ أَمْيَ وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أُسْرَتِي أُشْهُدُ اللَّهَ وَ أُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعُدُوكُمْ وَ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَائِكُمْ وَ بِضَلَالَةٍ مَنْ حَالَفَكُمْ مُوَالِ لَكُمْ وَ لَا وَلِيَائِكُمْ مُذْعِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَدٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَلَّمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطْبِعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقْكُمْ ،

و شرافت موقعیت، و منزلت شمارا نزد خویش، و کرامتن را بر او، و خصوصیتی که نزد او دارد و نزدیکی مقامی که نسبت به او برای شم است، پدر و مادرم و اهل و مال و طایفه ام فدای شما، خدا و شمارا گواه می گیرم، که من به شما و به آنچه شما ایمان آور دید باور دارم،

نسبت به دشمنتان و آنچه را شما به آن کفر ورزیدید کافرم، بینایم به مقام شما، و به گمراهی آنکه با شما مخالفت کرد، دوستدار شما و دوستان شمایم، خشنناک نسبت به دشمنان شما و دشمن آنام،

در صلح با هر که با شما در صلح است و در جنگ با هر که با شما جنگید، حق می دانم آنچه را شما حق دانستید، و باطل می دانم آنچه را شما باطل دانستید، به فرمان شمایم، عارف به حق تان هستم،

مُقْرٌ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعَلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيمَانِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقُولِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَحِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَا إِنْ عَائِدٌ بِقُوَّرِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ وَ مُنَقَّرِبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَ مُقَدَّمُكُمْ أَمَامَ طَابِتِي وَ حَوَاجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِهِ وَ أُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَالَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَ مُسْلِمٌ فِيهِ مَعْكُمْ ،

به برتری شما اقرار دارم، تحمل کننده دانش شمایم، پرده نشین پیمان و حرمت شما می باشم، به شما معترفم، به بازگشتان مؤمنم، رجعت تان را تصدیق دارم چشم به راه فرمان شمایم، در انتظار حکومت شما به سر می برم، گیرنده گفته شما هستم، عمل کننده به فرمان شما می باشم، پناهنده به شمایم، زائر شما هستم، ملتجمی و پناهنده به قبر شمایم، خواهند شفاعت به درگاه خدای عز و جل به وسیله شما می باشم، و به سوی او به سبب شما تقریب می جویم، و مقدم کننده شما پیش روی خواسته ام و حاجاتم و ارادتم در همه احوال و امورم، به نهان و آشکارتن، و حاضر و غائبان، و اول و آخرتان ایمان دارم، و در همه اینها واگذارنده کار به شمایم، و در اینها به همراه شما تسلیم،

وَ قُلْبِي لِكُمْ مُسْلِمٌ وَ رَأْيِي لِكُمْ تَبَعٌ وَ نُصْرَتِي لِكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحِبِّي اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَ يَرِدُكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَ يُظْهِرَكُمْ لِعَلْيِهِ وَ يُمَكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ [عَدُوُكُمْ] [آمَنْتُ بِكُمْ وَ تَوَلَّتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ الْجِبْرِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ [وَ [الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَ الْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَ الْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ [وَ [الشَّاكِرِينَ فِيْكُمْ [وَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ كُلِّ وَلِيْجَةٍ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَبَتَّنَيَ اللَّهُ أَبَداً مَا حَبِيتُ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَ مَحَبَّكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَقْفَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتِكُمْ ،

دلیل تسلیم شماست، رأیم تابع شماست، و یاری ام برای شما مهیاست، تازمانی که خدا دینش را به وسیله شما زنده کند، و شما را در ایامش بازگرداند، و برای عدالت‌ش آشکاران نماید، و در زمینش پابر جایتان فرماید، پس با شمایم با شما، نه با غیر شما به شما ایمان آوردم، آخری شما را دوست دارم، همانطور که اولین شما را دوست داشتم، به سوی خدا از دشمنانتان بیزاری می جویم و و نیز بیزاری نمودم از جبت و طاغوت و شیاطین و گروهشان، آن ستم کنندگان به شما، و منکران حقّتان، و خارج شدگان از ولایت‌تان، و غصب کنندگان میراث‌تان، و شک کنندگان در حقانیت‌تان، و منحرف شوندگان از حضرت‌تان، و از هر آنچه به غیر شما وارد در دین شده و از دین نیست، و از هر اطاعت شده ای جز

شما، و از رهبرانی که مردم را به آتش دوزخ می خوانند، پس خدا همیشه پابرجایم بدارد، تا که زنده ام

بر مولات و محبت و دین شما، و به اطاعت از شما موفق فرماید، و شفاعت شما را نصیبیم کند

و جَعْلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيْكُمُ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعْلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصِصُ أَثَارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَيِّلَكُمْ وَ يَهْتَدِي
بِهُدَاكُمْ وَ يُحْسِرُ فِي زُمْرَاتِكُمْ وَ يَكُرُ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُسَرِّفُ فِي عَافِيَّكُمْ وَ يُمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ
وَ تَقْرُ عَيْنَهُ غَدَا بِرُؤْيَتِكُمْ بِأَيِّيْ أَنْتُمْ وَ أَمْيَ وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَا بِكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ
وَ مَنْ فَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِيَ لَا أَحْصِي شَاءَكُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحُ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ
الْأَخْيَارِ وَ هُدَاءُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَّ الْجَبَارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ [الله] وَ بِكُمْ يُتَرَّلُ الْغَيْثُ ،

و مرا از برگزیدگان دوستان قرار دهد، و از پیروی کنندگان نسبت به آنچه شما به آن دعوت کردید، و

مرا از آنانی قرار دهد که از آثار شما متابعت می کنند و به راه شما می روند، و به هدایت شما هدایت

می جویند، و در گروه شما محشور می شوند، و در زمان رجعت تان دوباره به دنیا بازمی گردد، و در

دولت شما به فرمانروایی می رسند، و در دوران سلامت کامل شما مفترخ می گردند، و در روزگار

شما اقتدار می یابند، و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می شود، پدر و مادر و جان و خانواده و مالم

فادای شما، هرکه آهنگ خدا کند، به وسیله شما آغاز میکند، و هرکه او را به یکتایی پرستد، طریق

توحیدش را از شما می پذیرد، و هرکه قصد حق کند.

به شما توجه می نماید، ای سرورانم، نمی توانم ثنای شمارا شماره کنم، و در امر مداخ گفتن قدرت

رسیدن به حقیقت شما را ندارم، و در مقام وصف نمودن، توانایی بیان منزلت شما در من نیست، و حال

آنکه شما نور خوبان و هادیان نیکان و حجت های خدای جبارید،

خدا با شما آغاز کرد، و با شما ختم می کند،

و به خاطر شما باران فرو می ریزد،

وَ بِكُمْ يُمسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنَفَّسُ الْهَمَّ وَ يُكْشِفُ الضُّرَّ وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَّلْتُ بِهِ

رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَةٌ وَ إِلَى جَنَّكُمْ

و تنها برای شما آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتاد نگاه می دارد، مگر با اجازه خودش، و به وسیله شما اندوه را می زداید، و سختی را بر طرف می نماید، و نزد شماست آنچه را بر رسولانش نازل فرموده، و فرشتگانش به زمین فرود آورده اند، و به جانب جد شما.

(و اگر زیارت امیر مؤمنان علیه السلام باشد، به جای

«والى جَنَّكُم» بگو : وَ إِلَى أَخِيكَ)

بُعْثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ آتَكُمُ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطِأً كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرِيفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ إِلَيْكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَاتِكُمْ بِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرِّضْوَانِ وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ لَا يَتَكَبَّرُ عَصَبُ الرَّحْمَنِ، بِأَبِي أَنْثُمَ وَ لَمَّيِ وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِيَنَ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْآثارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا لَحْيَ أَسْمَاءُكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسُكُمْ وَ أَعْظَمَ شَانُكُمْ وَ أَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدَكُمْ [وَ أَصْدَقَ وَ عَدْكُمْ] ، كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ صِيَّئُكُمُ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَ عَادِنُكُمُ الْإِحْسَانُ ،

و به سوی برادرت روح الامین برانگیخته شد، خدا آنچه به شما عنایت کرده به احدي از جهانیان مرحمت نفرموده، هر شرافتمندی در برابر شما سر به زیر انداخته، و هر متکبری در مقابل طاعت شما گردن نهاده، و هر جباری نسبت به برتری شما فروتن گشته است، و هر چیزی برای شما خوار شده است، و زمین به نورتان روشن گشت، و رسیدگان به ولايت شما رستگار شدند با شما راه به سوی بهشت را میتوان پیمود، خشم حضرت رحман است بر کسیکه منکر ولايت شما شد، پدر و مادر و جان و اهل و مالم فدای شما باد، یاد شما در قلوب یادکنندگان، و نامتان در نامها، و تن هایتان در تن ها، و

ارواحتان در ارواح، و جان هایتان در جانها، و آثارتان در آثار، و قبرهای تان در قبرهاست، چه شیرین است نامهای تان، و گرامی است جان هایتان، و بزرگ است مقامتان، و عظیم است مرتبه بلندتان، و با وفات پیمانتان، و راست است و عده تان، سخن شمانور، و دستورتان راهنمای و سفارشتان تقوا، و کارتان، خیر، و روشنان احسان،

و سَجِّلُكُمُ الْكَرَمُ وَ شَائِئُكُمُ الْحَقُّ وَ الصَّدْقُ وَ الرِّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَتْمٌ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنْ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ بِأَبِي أَنْثُمَ وَ أَمْمِي وَ نَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ شَائِئُكُمْ وَ أَحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلُّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْثُمَ وَ أَمْمِي وَ نَفْسِي بِمُوَالَاتِكُمْ عَلِمْنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَا نَا وَ بِمُوَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ الرِّعْمَةُ،

و اخلاق و خویتان بزرگواری، و کار و رفتارتان حق و راستی و مدارا، و گفتارتان حکم و حتم، و رأیتان دانش و بردبازی و دوراندیشی است، اگر از خوبی یاد شود، آغاز و ریشه و شاخه و سرچشم و جایگاه و نهایتش شمایید، پدر و مادر و جانم فدای شما، چگونه ثنای نیکوی شهارا وصف کنم، و آزمایش های زیبای شما را بشمارم، خدا ما را به وسیله شما از خواری درآورد، و غم های غرق کننده را از ما زدود، و ما را از پرتگاه هلاکت ها و آتش دوزخ رهانید، پدر و مادر و جانم فدای شما، خدا در پرتو دوستی شما، دستورات دینمان را به ما آموخت، و از دنیایمان آنچه که فاسد شده بود، اصلاح نموده، و به موالات شما دین کامل شد، و نعمت عظمت یافت،

و اَنْتَفَتِ الْفُرْقَةُ وَ بِمُوَالَاتِكُمْ تُغْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُغْتَرَضَةُ وَ لَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَ الْمَكَانُ [وَ الْمَقَامُ] الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ وَ الشَّانُ الْكَبِيرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تُرِعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً ،

و جدایی به گردهمایی رسید، و به مولات شما طاعت واجب شده پذیرفته می گردد، و برای شهامت مؤودت واجب، و درجات بلند، و مقام پسندیده، و جایگاه معلوم نزد خدای عز و جل، و شرف عظیم، و رتبه کبیر، و شفاعت پذیرفته،

ای پروردگار ما به آن چه نازل فرمودی ایمان آوردم، و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را در شمار گواهان بنویس، ای پروردگار ما، دلهای ما را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مکن، و به ما از نزد خود رحمت ببخش، همانا تو بسیار بخشنده ای، منزه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما امری انجام یافته است

یَا وَلِيَ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ دُنْوِيَاً لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَيَحْقِقُ مَنِ اتَّنَمَّنْكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ حَلْقِهِ وَ قَرَنَ طَاعَتُكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهُبْتُمْ دُنْوِيَاً وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْعَضَكُمْ فَقَدْ أَبْعَضَ اللَّهَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ الْأَكْيَارِ الْأَئِمَّةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي فَيَحْقِقُهُمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْلَكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ [تَسْلِيمًا] كَثِيرًا وَ حَسْبَنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

ای ولی خدا به درستی که بین من و خدای عز و جل گناهانی است که آنها را جز رضایت شما پاک نمی کند، پس به حق خدایی که شما را امین بر راز خود قرار داد، و زیر نظر گرفتن، زندگی بندگانش را از شما خواست، و طاعت خود را به طاعت شما مقرون نمود،

هر آینه بخشش گناهانم را از خدا بخواهید و شفیعان من شوید، که من فرمانبردار شمایم، کسی که شما را اطاعت کرد، خدا را اطاعت نموده، و هر که از شما نافرمانی نمود، خدا را نافرمانی کرده است، و هر که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را دشمن داشت خدا را

دشمن داشته است.

خدایا اگر من شفیعانی را به درگاه تو نزدیک تر از محمد و اهل بیت‌ش، آن خوبان و پیشوایان و نیکان می‌یافتم، آنها را شفیعان خود قرار می‌دادم پس به حقشان که برای آنان بر خود واجب کرده‌ای، مرا در گروه عارفان به آنها و آشنای به حقشان، و در شمار رحم شدگان به شفاعت آن بزرگواران وارد کن، به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش و سلام خدا، سلامی بسیار، بر آنان باد، و خدا ما را بس است، و نیکو کارگشایی است.



وَ إِنْ كُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ / ...

وبه خاطر شماران فرومی ریزد

یادمان هست نوشتم که دعای خواندم / ااشیم کنج حرم جامعه رامی خواندم

از کلامت چه بکویم که چه با جانم کرد / ملحت کلمات تو مسلمانم کرد

کلمی که همه بال و پرواز است / مثل آن پجره که رو به تماشاباز است

کلمی که پرازایح غار حراست / خط بخط جامعه آینه قرآن خداست

عقل از درک تو لبریز تحریر شده است / لب به لب کاسه نظریت من پرشده است

همه عمر دادم نسرو دیم از تو / قدر دک خودمان هم نسرو دیم از تو

من که از طبع خودم شکوه مکردارم / عرق شرم به پیشانی دقتارم

شعرهايم همه پژمردو گلقصنم از تو / فصلی از عمر ورق خوردو گلقصنم از تو

دل ماکی به تو ایان فراوان دارد / شیرد پرده به چشم ان تو ایان دارد

بیم آن است که مایک ثب مرداب شویم ارفته زفه نکند جعفر کذاب شویم

تاتوراگم گننم بین کویرایی باران / دست خالی مرانیز گمیرایی باران

من زمین گیرم و وصف تو مراعکن نیست / کلام تم کھاتی ست خیرایی باران

یاد کرد از دل مارحمت تو زود به زود / یاد کرد یم تو را دیر به دیرایی باران

نام تو در دل با بود و همایت نشیدیم / هربانی کن و نادیده گمیرایی باران

مان مردیم که توبین به تو نام تو شد / ماک از نسل غدیریم، خدیرایی باران

پسر حضرت زهرا! دل مارادیاب / مایتیسم و اسیریم و فقیرایی باران

سامرا قسمت چشم عطش خنیزم کن / اتا تماش کنست یک دل سیرایی باران

گذرد ای کمی از غم تان بنویسم / دو سه خط روشه از این درد همان بنویسم

کریه بردا غشایین ثواب است ثواب / ابار دیگر پسر فاطمه و بزم شراب

سید حمید رضا بر قعی



زیارت غدیریه



زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام ،

گنجینه‌ای مغفول هانده در اثباته ولایت امام علی علیه السلام



زیارتی است که به سندهای معتبر از حضرت هادی علیه السلام نقل شده است،

که با آن زیارت حضرت امیر مؤمنان علیه السلام را در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود زیارت کردند،

روایت شده که در هر روز، از راه دور و نزدیک می‌توان خواند.

زیارت غدیریه از نظر اسناد:

جالب است بدانیم در تمامی سلسله سند این زیارت بی نظیر،

روات آن نه تنها عادل و امامی ، بلکه از اعلام درجه اوّل شیعه در هر عصر می باشد ، و سلسله سند آن از طریق نایب خاصّ اوّل و سوم حضرت ولی عصر (عج) ، به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ، و حضرت امام هادی علیه السلام می رسد.

محتوای زیارت غدیریه

با یک نگاه اجمالی می توان زیارت غدیریه را بر سه محور تقسیم نمود :

۱_ آیات قرآن کریم در زیارت غدیریه

طبق شمارش موجود، ۳۲ آیه شریفه در زیارت غدیریه آمده است که بر محور بیان فضایل امیر المؤمنین علیه السلام است ، از جمله آیه لیله المبیت، آیه ابلاغ ، و آیه ولایت. علاوه بر آن، به ۴ آیه شریف نیز اشاره شده است.

۲ _ فضایل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در زیارت غدیریه

بخشی از زیارت غدیریه شریف به بیان فضایل حضرت امیر علیه السلام اختصاص دارد. حدود ۲۰۶ فضیلت حضرت در این زیارت آمده است.

۳ _ بخش هایی از تاریخ در زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام

این زیارت، حاوی مطالبی از تاریخ ولایت است؛ از جمله:
حدیث غدیر، غصب فدک، جنگ بدر، احزاب، أحد،
نزول « لا فتنی الا علی لاسیف الا ذوالفقار »،
جنگ حُرَيْن، صَفَيْن، جَمَل، نَهْرَوَان،
شهادت جناب عمار،
شهادت حضرت امیر المؤمنین (ع)،

بیزاری از دشمنان ولایت و قاتلان حضرت سیدالشہدا علیه السلام ، و در آخر زیارت، بیزاری از منکران ولایت و قاتلان حضرت سید الشہدا علیه السلام



السلام على محمد رسول الله خاتم النبئين و سيد المرسلين و صفوة رب العالمين أمين الله على وحيه و عزائم أمره و الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل و المهيمن على ذلك كله و رحمة الله و بركته و صلواته و تحياته السلام على أنبياء الله و رسليه و ملائكته المقربين و عباده الصالحين السلام عليك يا أمير المؤمنين و سيد الوصيin و وارث علم النبئين و ولی رب العالمين و مولاي و مولى المؤمنين و رحمة الله و بركته السلام عليك يا مولاي يا أمير المؤمنين يا أمين الله في أرضه و سفيره في خلقه و حجته البالغة على عباده.

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران، و سرور رسولان، و برگزیده پروردگار جهانیان،
امین خدا بر وحی و دستورات قطعی الهی، و ختم کننده آنچه گذشته، و گشاینده آنچه خواهد آمد،
و چیره بر همه اینها، و رحمت و برکات و درودها و تحيّات خدا بر او باد.
سلام بر پیامبران خدا و رسولانش، و فرشتگان مقرّب و بندگان شایسته اش.
سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان، و وارث دانش پیامبران،
ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان، و رحمت و برکات خدا بر او باد.
سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان،
ای امین خدا بر روی زمینش، و سفیر او در خلقش، و حجت رسایش بر بندگان.

السلام عليك يا دین الله القویم و صراطه المستقیم السلام عليك أيها النبأ العظیم الذي هم فيه مختارون و عنهم يسألون السلام عليك يا أمیر المؤمنین آمنت بالله و هم مشركون و صدقت بالحق و هم مكذبون و جاهدت [في الله] [و هم محجمون] [مجمحون] [و عبَّدت الله مخلصاً له الدين صابراً محسِّباً حتى أتاكم اليقين لا لعنة الله على الظالمين السلام عليك يا سيد المسلمين و يعسوب المؤمنين و إمام المتقين و قائداً للغر المحبّلين و رحمة الله و بركته أشهد أنك أخو رسول الله و وصيّه و وارث علمه و أمينة على شرعه و خليفة في أمته،

سلام بر تو ای دین معتدل خدا، و راه راستش.
 سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف کردند، و از آن بازخواست شوند.
 سلام بر تو ای امیر مؤمنان،

به خدا ایمان آوردم، در حالی که همه شرک می ورزیدند،
 و حق را تصدیق گفتی وقتی که آنان را تکذیب می نمودند،
 و جهاد کردی و آنان از جهاد عقب نشینی می کردند،
 خدا را عبادت کردی، در حالی که خالص نمودی برای او دین را
 صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی، تا مرگ تو را دررسید، آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران.
 سلام بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین، و پیشوای اهل تقوا، و مقنای سپیدرویان،
 و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

شهادت می دهم که تویی برادر رسول خدا،
 جانشین، و وارث علمش، و امین او بر قانونش، و جانشین او در امتش،

وَأَوْلُ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ صَدَقَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ وَ أَشْهَدَ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيهِ فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ وَ أُوجَبَ عَلَىٰ أَمْتَهِ فَرْضَ طَاعَتِكَ وَ لَا يَتَّكَ وَ عَقْدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ وَ جَعَلَكَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهَ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَلَسْتُ قَدْ بَلَغْتُ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَىٰ فَقَالَ اللَّهُمَّ اشْهُدْ وَ كَفِي بِكَ شَهِيدًا وَ حَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ فَلَعْنَ اللَّهِ جَاهِدٌ وَ لَا يَتَّكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ وَ نَاكِثٌ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيَاثِقِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ فِيهِ بِعَهْدِ اللهِ تَعَالَى وَ أَنَّ اللهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ وَ مَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلَ وَ أَخْذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِلِلَّهِ الرَّسُولُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ عَمَّا وَ أَخْلَكَ الَّذِينَ تَاجَرُوكُمُ اللهُ بِنُفُوسِكُمْ ،

و اول کسی که به خدا ایمان آورد، و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود تصدیق کرد،
 و شهادت می دهم که آن حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم رساند،
 و امر خدا را درباره تو با صدای بلن اعلام کرد،
 و بر امتش حتمی بودن طاعت و ولایت را واجب نمود،
 و بیعت تو را بر عهده ی آنان نهاد،

و حضرت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد،
 چنان که خدا خود او را اینچنین قرار داد،

سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود: آیا من آن نیستم که ابلاغ نمودم.
همه گفتند: به خدا آری.

پس فرمود:

خدایا گواه باش، و تو برای گواهی و حاکمیت بین بندگان کافی هستی .
پس خدا لعنت کند منکر ولایت را بعد از اقرار،

و شکننده پیمان را پس از پیمان بستن،

و شهادت می دهم که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی،

و خدای تعالی وفا کننده به عهد خویش برای توست،

و هر کس به آن پیمانی که با خدا بسته وفا کند، خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد.
و شهادت می دهم که تویی امیر مؤمنان آن حقی که قرآن به ولایت گویا شد،

و رسول خدا در این زمینه برای تو از امانت پیمان گرفت،

و شهادت می دهم که تو و عموم برادرت کسانی هستید که با خدا با جان هایتان معامله کردید،

فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيْكُمْ إِنَّ اللَّهَ اسْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ يَأْنَ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُعَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ عَدَا عَلَيْهِ حَقًا فِي التُّورَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أُوفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْبِسِرُوا بِنِيَاعِمُ الدِّيْنِ
بَأَيْعُثُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ النَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّلَاحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَرُ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكِرَ
فِيْكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ وَ أَنَّ الْعَادِلَ بِكَ عَانِدٌ [عَادِلٌ] [عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ
الْعَالَمِينَ وَ أَكْمَلَهُ بِوْلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنَى بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا
فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَنْتَبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ضَلَّ وَ اللَّهُ وَ أَضْلَلَ مَنْ اتَّبَعَ سِوَالَكَ وَ عَنَّ الْحَقِّ مَنْ
عَادَكَ.

پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد:

به درستی که خدا از مؤمنان خرید جانها و اموالشان را، که در عوض به آنها بهشت برای آنان باشد،

و در راه خدا پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند،

و عده ای است بر او، محقق شده در تورات و انجیل و قرآن،

و کیست که به عهد خود وفادارتر از خدا باشد،

پس شادی کنید به معامله ای که انجام دادید،

و این است آن رستگاری بزرگ آناند توبه کنندگان،

عبادت کنندگان، روزه گیران، رکوع کنندگان، سجود کنندگان، امر کنندگان به معروف، نهی کنندگان از منکر، و نگهبانان حدود خدا، و به مؤمنان بشارت ده،

شهادت می دهم ای امیر مؤمنان، که شاک کننده در باره تو به رسول امین ایمان نیاورده،
و اینکه روی گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر، معاندانه روی گردان از دین است،
دین میانه ای که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده،
و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است،
و گواهی می دهم که در این گفته خدای عزیز رحیم، مقصود توبی:

به حقیقت این است راه راست من، از آن پیروی کنید، و راههای دیگر را پیروی ننمایید،
که شما را از راه او پراکنده کند، به خدا سوگند گمراه شد، و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی
نمود، و کسی که تو را دشمن داشت، ستیزه ورزان از حق روی گرداند.

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ أَطَعْنَا وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُرْءِ فُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا إِلَى طَاعَتِكَ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَعْمَكَ وَ أَشْهَدَ أَنَّكَ لَمْ تَرْلُ لِلْهَوَى مُخَالِفاً وَ لِلْتَّقَى مُحَالِفاً وَ عَلَى كَظِيمِ الْغَيْظِ قَادِرًا وَ عَنِ النَّاسِ عَافِيًّا عَافِرًا وَ إِذَا عَصَيَ اللَّهَ سَاخِطًا وَ إِذَا أَطَيَعَ اللَّهَ رَاضِيًّا وَ بِمَا عَهَدَ إِلَيْكَ عَامِلًا رَاعِيًّا لِمَا اسْتُحْفَظْتَ حَافِظًا لِمَا اسْتُوْدِعْتَ مُبَلَّغًا مَا حُمِّلتُ مُنْتَهِرًا مَا وُعِدْتَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا وَ لَا أَمْسَكْتَ عَنْ حَقَّكَ جَازِعًا وَ لَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ عَاصِيَكَ [عَاصِيَكَ] [نَاكِلًا وَ لَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرْضِيَ اللَّهَ مُدَاهِنًا وَ لَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ،

خدایا امرت را شنیدیم و اطاعت کردیم ،

و راه راست تو را پیروی نمودیم ،

پروردگارا مارا هدایت کن ،

و بعد از اینکه ما را به طاعت هدایت کردی دل هایمان را منحرف مساز ،

و ما را از سپاسگزاران نعمتهاایت قرار ده ،

و شهادت می دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف، و با پرهیزکاری هم پیمان ،

و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و آمرزنده آنان بودی ،

و زمانی که خدا معصیت می شود خشمناک ،

و هنگامی که اطاعت می شود خشنودی .

به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عامل بودی ،

و آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی ،

و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی ، و آنچه از حق بر عهده ات نهاده شده بود رساندی ،

و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی ،

و شهادت می دهم که از روی زبونی محافظه کاری نکردم،

و در اثر بی تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی،

و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غصبان ولایت قدم به عقب نگذاشتی،

و به علت سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می کند اظهار خشنودی ننموده،

و برای آنچه در راه خدا به تو در رسیده سست نشدم،

وَ لَا ضَعْفَتْ وَ لَا اسْتَكْنَتْ عَنْ طَلْبِ حَقّكَ مُرَاقِبًا مَعَادَ اللَّهَ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ بَلْ إِذْ طَلِمْتَ احْتَسِبْتَ رَبَّكَ وَ فَوَضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ وَ ذَكَرْتَهُمْ فَمَا ادَّكُرُوا وَ وَعَظَّهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا وَ حَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَحَوَّفُوا وَ أَشَهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جَهَادِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى حِوَارِهِ وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِإِخْتِيَارِهِ وَ الْزَمَّ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ بِقُتْلِهِمْ إِيَّاكَ لِتَكُونَ الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَّاجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خُلُقِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا وَ جُذْتَ بِنَفْسِكَ مُحْسِبًا وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ وَ أَقْمَتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمْرَتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ مُبْتَغِيَا مَا عِنْدَ اللَّهِ رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَابِ وَ لَا تَهُنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ،

و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشته،

پناه به خدا از اینکه چنین باشی،

بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدم، به حساب پروردگارت گذاشتی،
و کارت را به او واگزار کردی،

و ستمکاران را پند دادی ولی نبذریفتند، و اندرز دادی ولی قبول نکردند،

و آنان را از خدا ترساندی، ولی نترسیدند،

و شهادت می دهم که تو ای امیر مؤمنان در راه خدا به حق جهاد کردی،

تا اینکه خدا تو را بجوارش فرا خواند، و به اختیارش تو را به جانب خود فبس روح کرد،

و حجت را بر دشمنانت ختم کرد،

با به قتل رساندن تو را، تا حجت به سود تو و زیان باشد همراه با آنچه برای تو بود از حجت های رسا
بر همه خلق.

سلام بر تو ای امیر مؤمنان،

خدا را خالصانه عبادت کردی، و صابرانه در راه خدا جهاد نمودی، و به حساب خدا جانبازی کردی،
و به کتابش عمل نمودی، و روش پیامبرش را پیروی کردی، و نماز را بپا داشتی،

و زکات را پرداختی، و به معروف امر کردی، و تا توانستی از منکر نهی نمودی،

طالب بودی آنچه را نزد خداست،

راغب بودی در آنچه خدا و عده داد،
کاسه صبرت از پیش آمدها لبریز نشد،
و هنگام سختی ها سست نگشتی،

و لا تَحْجُمْ عَنْ مُحَارِبٍ أَفَكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ وَ أَوْلَى لِمَنْ عَنَّدَ عَنْكَ لَفَدْ
جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَدَى صَبَرَ احْتِسَابٍ وَ أَنْتَ أَوْلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى لَهُ وَ
جَاهَدَ وَ أَبْدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرْكِ وَ الْأَرْضِ مَشْحُونَةً ضَلَالَةً وَ الشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً وَ أَنْتَ الْقَائِلُ لَا
تَرِيدُنِي كَثْرَةُ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَ لَا تَفْرُقُهُمْ عَنِي وَ حُشَّةً وَ لَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا
أَعْصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتَ وَ أَتَرْتَ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى فَزَهَدْتَ وَ أَيَّدَكَ اللَّهُ وَ هَدَاكَ وَ أَخْلَصَكَ وَ اجْتَبَاكَ فَمَا
تَنَاقَضْتُ أَفْعَالَكَ وَ لَا اخْتَلَفْتُ أَقْوَالَكَ وَ لَا تَقْبَلْتُ أَحْوَالَكَ وَ لَا اذْعَيْتَ وَ لَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَ لَا شَرِهْتَ
إِلَى الْحُطَامِ وَ لَا دَنَسَكَ الْأَثَامُ وَ لَمْ تَرَلْ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَ يَقِينٌ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحُقْقَ وَ إِلَى صِرَاطِ
مُسْتَقِيمٍ أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقًّا،

از مقابل هیچ جنگجویی بازنگشتی،

آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تمہمت زد، و به باطل دروغ بر تو بست،
و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند،
به راستی در راه خدا به حق جهاد کردی،
و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا،
تویی اول کسی که به خدا ایمان آورده، و برای او نماز خواندی، و جهاد کردی،
و خود را در خانه شرک برای حق آشکار نمودی، در حالی که زمین انباشته به گمراهی بود،
و شیطان آشکارا عبادت می شد،
و تویی گوینده این سخن:

کثرت مردم در پیرامونم عزتی به من نیفزاید و پراکنده شدن شان ترسی به من اضافه نکند،
اگر همه مردم از من دست بردارند، نالان نشوم،
پناهنده به خدا شدی و عزت یافته،
آخر را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی،
خدا تأییدت نمود و راهنمایی فرمود، و در گردونه خلوص قرار داد، و تو را برگزید،
کردارهایت ضد و نقیض نشد، گفتارهایت اختلاف نیافت، حالات زیورو نگشت،
ادعای بیهوده نکردی، و بر خدا دروغ نبستی، و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی،

گناهان تو را آلوده نساخت، همواره امورت بر پایه بر هانی از سوی پروردگارت بود،

در کارت بر یقین بودی،

به سوی حق و راه مستقیم هدایت می نمودی،

شهادت می دهم شهادت حق،

و أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسْمَ صِدْقٍ أَنَّ مُحَمَّداً وَ اللَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ وَ أَنَّكَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَلِيُّهُ وَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِيهُ وَ وَارِثُهُ وَ أَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ وَ الَّذِي يَعْتَشُ بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مِنْ كَفَرٍ بِكَ وَ لَا أَقْرَأَ بِاللَّهِ مِنْ جَحَدَكَ وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَ عَنْكَ وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا إِلَيْهِ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنِّي لَغَافِرٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى وَلَاتِيكَ مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفَى وَ نُورُكَ لَا يُطْفَأُ [لَا يُطْفَأُ] وَ أَنَّ مَنْ جَحَدَ الظَّلْمَ الْأَشْقَى مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ وَ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْعُدْدَةُ لِلْمَعَادِ مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَنْزِلَتَكَ وَ أَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَاتَكَ وَ بَصَرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ،

و سوگند می خورم سوگند صدق،

که محمد و خاندانش (دروド خدا بر آنان بلده) سروران خلقند،

و اینکه تو مولای من و مولای همه مؤمنانی،

تو بنده خدا و ولی او و برادر جانشین و وارث او هستی،

و او گوینده این سخن به حضرت توست:

سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان نیاورد آن که به تو کافر شد،

و به خدا اقرار ننمود آن که به انکار تو برخاست،

گمراه شد کسی که مردم را از تو بازداشت،

و به سوی خدا و به جانب من راه نیافت،

و این گفتار پروردگار عز و جل من است:

من آمرزنده ام آن کس را که توبه کرد، و ایمان آورد، و عمل شایسته انجام داد،

سپس به سوی ولایت تو راه باید.

مولای من فضل تو مخفی نمی ماند، و نورت خاموش نگردد،

و آن که تو را انکار کند ستمکار و بدیخت است،

مولای من تو حجت بر بندگانی و راهنمای به سوی راه راستی، و ذخیره روز معادی،

مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند کرد، و درجه ات را در آخرت والا گردانید،

و بینایت نمود به آنچه بی کسی که با تو مخالفت کرد پوشیده ماند،
و بین تو و موهبت های خدا حجاب شد،

فَلَعْنَ الَّهُ مُسْتَحْلِي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَ ذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ الَّذِينَ لَفْحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالِحُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَفْدَمْتَ وَ لَا أَحْجَمْتَ وَ لَا نَطَقْتَ وَ لَا أَمْسَكْتَ إِلَّا بِإِمْرٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ قُلْتَ وَ الَّذِي تَقْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَصْرَبْ بِالسَّيِّفِ قَدْمًا فَقَالَ يَا عَلَيْ أَنْتَ مِنِي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا تَبْدِي بَعْدِي وَ أَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَ حَيَاكَ مَعِي وَ عَلَى سُنْتِي فَوَاللهِ مَا كَذَبْتُ وَ لَا كُذَبْتُ وَ لَا ضَلَلْتُ وَ لَا ضُلِّلَ بِي وَ لَا نَسِيَتْ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي وَ إِنِّي لَعَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّي بَيْنَهَا إِنِّي وَ بَيْنَهَا النَّبِيُّ لَيْ وَ إِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الْفَطْحُ لَفْظُ صَدَقَتْ وَ اللَّهُ وَ قُلْتَ الْحَقَّ فَلَعْنَ اللَّهِ مِنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ وَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ:

لعنت خدا بر حلال شمارندگان حرمت، و دفع کندگان حقّ،

و شهادت می دهم که آنان از زیانکارترین مردمی هستند که آتش چهره آنان را می سوزاند،

و در میان دوزخ رشت و عبوس هستند،

و شهادت می دهم که اقدام نکردی، و قدم به عقب نگذاشتی، و سخن نگفیتی و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و رسولش.

خود فرمودی:

سوگند به آن که جانم در دست اوست، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) به من نظر کرد،
در حالی که پیش قدمانه شمشیر می زدم،

ایشان به من فرمود:

ای علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به موسی، جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست،

و من تو را خبر می دهم که مرگ و زندگی تو با من و برآساس راه و رسم من است،

به خدا سوگند دروغ نگفتم، و به من دروغ گفته نشد،

و گمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشده،

و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکودم،

من بر هانی از سوی پروردگارم هستم که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان داشته است، و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می گویم با صراحة تمام،

ای امیر مؤمنان به خدا سوگند راست گفتی، و حق گفتی.

پس خدا لعنت کند کسی را که تو را با آن که با تو دشمنی کرد برابر قرار داد،

در حالی که خدا می فرماید:

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ فَلَعْنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَا يَكُ وَ أَنْتَ وَ لَيْهُ اللَّهُ وَ أَخْوَ رَسُولِهِ وَ الدَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَ الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَقْضِيلِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى) : أَجَعَلْنَا سِقَايَةَ الْحَاجِ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامَ كَمْنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوِونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند برابرند؟

پس خدا لعنت کند کسی را که مساوی تو قرار داد،

آن کس را که خدا ولایت را برابر او واجب کرد، و حال اینکه تو ولی خدایی،

و برادر رسول خدایی و دفاع کننده از دین خدایی،

و کسی هستی که قرآن به برتری اش گویاست،

خدای تعالی فرمود:

خدا جهادکنندگان را بر نشستگان برتری داد به اجری بزرگ،

درجات و معرفت و رحمت از جانب او برای جهادگنندگان است،

و خدا همواره امرزنده و مهریان است

و خدای تعالی فرمود:

آیا آب دهی به حاجیان و آب دادن در مسجد الحرام را قرار داده اید همانند آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده، و در راه خدا جهاد کرده است؟

هرگز پیش خدا برابر نیستند، خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدُهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ) أَسْهَدَ أَنَّكَ الْمَحْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ الْمُخْلِصُ لِطَاعَةِ اللَّهِ لَمْ تَنْبُغِ بِالْهُدَى بَدْلًا وَ لَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِيهِ دَعْوَتَهُ ثُمَّ أَمْرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أُولَئِكَ لِأَمْتَهِ إِعْلَاءَ لِشَانِكَ وَ إِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ وَ دَحْضًا لِلْأَبَاطِيلِ وَ قَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ وَ اتَّقَى فِيلَكَ الْمُنَافِقِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ :

آنان که ایمان آورده اند و هجرت کردند، و در راه خدا با اموال و جان هایشان جهاد کردند، از جهت مقام به نزد خدا برترند، و ایشان رستگارانند، نویدشان می دهد پروردگارشان به رحمتی از جانب خود و خشنودی، و بهشت هایی که در آنها نعمت پایدار برای آنان باشد.

در آن بهشت ها جاودانند، به راستی که نزد خدا پاداشی بزرگ است.

شهادت می دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته ای،

و مخلص در طاعت خدابی،

برای هدایت جایگزینی نجستی، و در بندگی پروردگارت احدي را شریک نساختی،
خدای تعالی دعای پیامبرش (درود خدا بر او و خاندانش) را در حق تو اجابت کرد،
سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد،
برای بالا بردن شانت، و علنی ساختن بر هانت،
و دفع باطلها، و بریدن بهانه ها،

پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمانک شد، و درباره تو در برابر منافقان محافظه کاری کرد،
پروردگار جهانیان به او وحی کرد:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلْغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَةَ رَبِّكَ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)
فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ وَ نَهَضَ فِي رَمْضَانَ الْهَجِيرِ فَخَطَبَ وَ أَسْمَعَ وَ نَادَى فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَلَّمَ أَجْمَعَ
فَقَالَ هَلْ بَلَغْتُ فَقَالُوا اللَّهُمَّ أَسْهَدْ ثُمَّ قَالَ أَلْسَتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا بَلَى فَأَخَذَ
إِيمَانَكَ وَ قَالَ : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيِّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِّيَ مَنْ وَالَّهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ
اَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ . «

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ وَ لَا زَادَ أَكْثَرُهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ مِنْ قَبْلٍ
وَ هُمْ كَارِهُونَ:

ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده به مردم برسان،

اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای، خدا تو را از مردم حفظ می کند.

پس او بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد، و در حرارت شدید نیمه روز برخاست،
سخنرانی کرد و شنواند، و فریاد زد، پس پیام حق را رساند،
سپس از همه آنها پرسید: آیا رساندم؟

گفتند: به خدا قسم آری.

فرمود: خدایا شاهد باش.

سپس به مردم خطاب کرد:

آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟

گفتند: آری،

پس دست تو را گرفت، و فرمود:

هر که را که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست،

خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد، و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد،

و یاری کن کسی را که یاری اش کند، و خوار کن هر که خوارش سازد.
پس به آنچه خدا درباره تو بر پیامبر شناز نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده ای اندک،

و اکثر شان را نیفروند جز زیانکاری،

پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را ناز کرد در حالی که آنان دوست نداشتند:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ بَرْتَدَ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لِأَنَّمَا ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقْيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالَمُونَ رَبَّنَا آمَنَا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تُرْغِبْنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَذْنَكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ.)
اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَالْأَعْنَمُ مِنْ عَارَضَهُ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَذَبَ بِهِ وَ كَفَرَ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَبِ يَنْقِلُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید،

هر که از شما از دینش برگردد، خدا به زودی قومی را بیاورد، که آنها را دوست دارد، و آنها هم خدا را دوست دارند، بر مؤمنان نرمند، و بر کافران سخت، در راه خدا جهاد کنند، از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند، این است فضل خدا، به هر که بخواهد عنایت می کند، خدا گسترند و دانا است. جز این نیست که شما ولی خدا و رسول او و همه آنانی هستند که ایمان آورند، و آنانی که نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند، در حالی که رکوع کننده اند، و هر که با خدا و رسولش و کسانی که ایمان آورند دوستی کند، پس حزب خدا حزب پیروز است.

پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم، و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را با گواهان بنویس پروردگارا دل های ما را پس از آنکه هدایت مان کردی منحرف مساز، و به ما از نزد خود رحمتی ببخش، که تو بسیار بخشنده ای خدایی ما می دانیم که این گفتار از نزد تو حق است، پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد، و به آن کبر و رزید، و آن را تکذیب کرد، و کافر شد، و زود است بداند کسانی که ستم کرند، به چه بازگشت گاهی برگردند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ وَ أَوَّلِ الْعَابِدِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحْيَاتُهُ أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مُسْكِنًا وَ بَيْتِيًّا وَ أَسِيرًا لَوْجِهِ اللَّهُ لَا تُنْبِدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا وَ فِيلًا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى) : وَ يُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوْقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (وَ أَنْتَ الْكَاظِمُ لِلْغَيْظِ وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوْيَةِ وَ الْعَادِلُ فِي الرَّعْيَةِ وَ الْعَالَمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِّيَّةِ وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أُولَئِكَ مِنْ فَضْلِهِ يَقُولُهُ :

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سروز جانشینان،

و رأس عبادت کنندگان، و پارساترین پارسایان،

و رحمت خدا و برکات و درودها و تحیاًش بر تو باد،

توبی خوراننده طعام در حال دوست داشتن آن، به درمانده و بیتیم و اسیر تنها به خاطر خشنودی خدا،
که از آنها پاداش و سپاسی نمی خواستی، و خدای تعالی در حق تو چنین گفت:

دیگران را بر خود ترجیح می دهد، گرچه خود تهیست باشد،

هر که از بخل وجودش محفوظ ماند پس آناند از رستگاران،

توبی فروبرنده خشم، و گذشت کننده از مردم،

و خدا نیکوکاران را دوست دارد،

توبی صبرلکننده در تنگستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ،

توبی بخش کننده به برابری، و دادگر در میان ملت،

و آگاه به مقررات خدا،

از میان همه انسانها، خدای تعالی خبر داد از آنچه سزاوار کرده تو را از فصلش به گفته اش:

(أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقاً لَا يَسْتَوْنَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَاحَاتٌ الْمَأْوَى نُزُلاً
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) وَ أَنْتَ الْمَحْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزيلِ وَ حُكْمِ التَّاوِيلِ وَ نَصِّ الرَّسُولِ وَ لَكَ الْمَوَافِقُ
الْمَشْهُودَةُ وَ الْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ وَ الْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَ يَوْمَ الْأَحْرَابِ إِذْ رَأَتِ الْأَبْصَارُ وَ لَبَعْتِ
الْقُلُوبُ الْخَنَاجِرَ وَ تَطَوَّنَ بِاللَّهِ الظُّنُونُ هُنَالِكَ ابْنُيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزَلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ
الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا.

آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟

هرگز برابر نیستند.

اما کسانی که ایمان آورده اند، و کار شایسته کردهند،

برای آنها بهشت های خویش جایگاه جهت پذیرایی به پاداش آنچه انجام دادند،

و توبی اختصاص یافته به علم قرآن، و حکم تأویل،

و صریح گفتار پیامبر، و توراست موقعیت های گواهی شده، و مقامات مشهور،

و روزهای یاد شده،

روز بدر، و روز احزاب آن زمان که چشمها منحرف، و جانها به گلوها رسی،

و به خدا گمان می بردید، گمان های گوناگون،

در آنجا اهل ایمان آزمایش شدند، و دچار تزلزل روحی گشتد تزلزل سخت.

آن هنگام اهل نفاق و آنان که در دل هایشان بیماری بود گفتند:

خدا و رسولش جز فریب به ما و عده ندادند.

و إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ بَيْرَبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُونَ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيُّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادُهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ شَلِيلًا مَا فَقَلَّتْ عَمَرَهُمْ وَ هَزَمْتَ جَمْعَهُمْ وَ رَدَ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْطِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْفَتَالَ وَ كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا وَ يَوْمَ أُحُدٍ إِذْ يُصْعِدُونَ وَ لَا يَلُووْنَ عَلَى أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُهُمْ فِي أَخْرَاهُمْ وَ أَنْتَ تَنْدُوْدُ بُهْمَ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَ ذَاتِ الشَّمَاءِ حَتَّى رَدَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا حَانِثِينَ وَ نَصَرَ بِكَ الْخَانِثِينَ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَى مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ:

و در آن زمان گروهی از آنان گفتند:

ای اهل مدینه جایی برای شما نیست، بازگردید،

و جمعی از آنان از پیامبر اجازه می خواستند، می گفتند:

خانه های ما باز و بی حفاظ است و حال آنکه بی حفاظ نبود، آنان جز فرار از جنگ قصدی نداشتند،

و خدای تعالی فرمود:

همین که اهل ایمان دسته های کفر و شرک را دیدند گفتند:

این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داد،

خدا و رسولش راست گفتند،

و آنان را نیفزوود مگر ایمان و تسلیم، پس عمرو قهرمان آنها را کشته،

و جمع آنان را فراری دادی،

و خدا آنان را که کافر بودد با خشمگان بازگرداند، درحالی که به غنیمتی دست نیافتند،

و خدا جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد،

و خدا نیرومند و عزیز است،

و روز احد هنگامی که از اطراف پیامبر فرار می کردند، و به احدي اعتنا نمی نمودند،

و پیامبر آنان را از پشت سرشان به کارزار دعوت می کرد،

تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می کردی،

تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند،

و شکست خوردهان را به وسیله تو یاری کرد.

و روز حنین، بنابر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد:

«إِذْ أَعْجَبْتُكُمْ كُثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ ثُمَّ وَلَيْلَمُ مُدْبِرِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَةً عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» وَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَ مَنْ يَلِيكَ وَ عَمْكَ الْعَبَاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ: بِيَا

أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ حَتَّىٰ اسْتَحَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتُهُمُ الْمُنْتُونَةَ وَ تَكَفَّلَتَ دُونَهُمُ الْمَعُوَنَةَ فَعَادُوا أَيْسِيَنَ مِنَ الْمُتُوبَةِ رَاحِينَ وَ عَدَ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِالنُّوَبَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ : ثُمَّ يَتُوَبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ « وَ أَنْتَ حَائِزُ دَرَجَةِ الصَّبْرِ فَإِنْرِ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ وَ يَوْمَ خَيْرٍ إِذْ أَطْهَرَ اللَّهُ حَوْرَ الْمُنَافِقِينَ وَ قَطْعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلٍ لَا يُؤْلُونَ الْأَدْبَارَ وَ لَكُنَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْتُولاً «

«زمانی که نفرات زیاد شما باعث شگفتی شما شد، ولی شما را به هیچ وجه بی نیاز نکرد، و زمین با آن فراخی اش بر شما تنگ شد، سپس روی گردانده فرار کردید.
آنگاه خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل فرمود». «مؤمنان» تو بودی و همراهانت،

و عمومیت عباس شکست خورده‌گان را صدا می‌زد:

ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیت شجره،

تا جماعتی به او پاسخ دادند، که تو رنج آنها را کفایت کردی، و به جای آنها کمک را عهده دار شدی، پس نومید از پاداش برگشتند، و امیدوار به وعده خدای تعالی به توبه،

و این است سخن خدا که عظیم باد یادش :

«آنگاه خدا توبه می‌پذیرد پس از آن، توبه کسی را که بخواهد،

درحالی که تو درجه صبر را به دست آورده، و به مزد بزرگ پیروز شدی،

و روز خیر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد، و دنباله کافران را برید،

و سپاس خدای را پروردگار جهانیان، درحالی که آنها از پیش با خدا پیمان بسته بودند که فرار نکنند،

و به یقین پیمان خدا مورد بازخواست است.

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَهُ وَ الْمَحَاجَهُ الرَّاضِيَهُ وَ النَّعْمَهُ السَّابِغَهُ وَ الْبُرْهَانُ الْمُنْبِرُ فَهَنِئْيَا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ وَ تَبَّا لِشَانِئِكَ ذِي الْجَهَلِ شَهُدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَ مَعَازِيهِ تَحْمِلُ الرَّأْيَهُ أَمَامَهُ وَ تَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمُشْهُورِ وَ بَصِيرَتَكَ فِي الْأُمُورِ أَمْرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَ لَمْ يَكُنْ آلَيْكَ أَمِيرٌ وَ كَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّاكَ عَنْ أَمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ الثُّقَى وَ أَتَبَعَ غَيْرَكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى فَطَنَ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى ضَلَّ وَ اللَّهُ الظَّانُ لِذَلِكَ وَ مَا اهْتَدَى وَ لَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَ امْتَرَى بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ:

مولای من توبی حجت رسا، و راه روشن، و نعمت کامل، و برهان تابناک،

پس گوارا باد تو را، آنچه خدا از برتری به تو داد،

و نابود باد دشمن نادانت،

با پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در تمام جنگها و لشگرکشی هایش حاضر بودی،

پیش‌پیش پرچم اسلام را به دوش می‌کشیدی، و در برابر شمشیر می‌زدی،

سپس تنها برای تدبیر و کارданی مشهودت و بینایی ات در امور، در تمام میدانها تو را به فرماندهی می‌گماشت، و امیری بر تو نبود،

چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیت در آنها شد،

اما جز تو در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد، پس نادانان گمان کردند، که تو از آنچه او به آن رسید عاجز شدی، به خدا قسم گمان کننده اینچنین گمراه شد و را نیافت،

و تو واضح ساختی آنچه مشکل شده بود از این امور، برای آن که توهّم و تردید کرد به گفتارت،

درود خدا بر تو که فرمودی:

«قَدْ يَرَى الْحُوَلُ الْقُلُبُ وَجْهُ الْحِيلَةِ وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ فَيَدْعُهَا رَأْيَ الْعَيْنِ وَ تُبَهِّزُ فُحُصَّتَهَا مَنْ لَا حَرِيقَةَ [لَهُ فِي الدِّينِ] «، صَدَقْتَ وَ اللَّهُ وَ خَسِرَ الْمُبْطَلُونَ وَ إِذْ مَا كَرَكَ النَّاكِثُانَ فَقَالَا تُرِيدُ الْعُمَرَةَ فَقُلْتَ لَهُمَا» :لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمَرَةَ لَكُنْ تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ «فَلَاحَدْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا وَ جَدَدْتَ الْمِيَاثَقَ حَجَّا فِي النَّفَاقِ فَلَمَّا نَبَهَتُهُمَا عَلَى فَعْلِهِمَا أَغْفَلَا وَ عَادَا وَ مَا انْتَفَعَا وَ كَانَ عَاقِبَهُ أَمْرُهِمَا خُسْرَا ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسِرْتَ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْإِعْدَارِ وَ هُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ وَ لَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ هَمْجُ رَعَاعُ ضَالُولُونَ وَ بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيهِ كَافِرُونَ وَ لِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ وَ قَدْ أَمْرَ اللَّهُ تَعَالَى بِإِنْبَاعِكَ وَ نَذَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ :

گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می‌بیند، ولی در برابر شمشیر پرده ای از تقوای خدادست،

در نتیجه روی چاره را آشکار رها می‌کند،

ولی فرصت آن را غنیمت می‌داند کسی در امر باکی ندارد،

به خدا سوگند راست گفتی،

و یاوه سرایان دچار زیان شدند، هنگامی که آن دو عهشکن [طلحه و زبیر] با تو به فریبکاری برخاستند، و گفتد قصد عمره داریم، به آنان گفتی:

به جان خودتان قسم: قصد عمره ندارید، بلکه قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی، و پیمان را محکم کردی، پس در نفاق کوشیدند، زمانی که بر کار نادرستشان آگاهشان کردی،

بی توجّهی کردند، و به کار خویش بازگشتند، ولی بهره مند نشدند، و سرانجام کار هر دو خسран شد سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند، و تو پس از بستن راه غدر بر آنان به سویشان حرکت کردی، ولی آنها به دین حق گردن ننهادند. و در قرآن تدبّر ننمودند،

بی خردان پست و گمراهان ناجوانمرد، به آنچه در حق تو بر محمد نازل شده بود کافرند،

و یاوران مخالف تو،

درحالی که خدا به پیروی از تو امر کرد، و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند،
و فرمود خدای عز و جل:

(بِأَيْمَانِهِ الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقْوَا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (مُولَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَدْ نَبَدَ الْخَلْقُ وَ أَوْضَحَتِ
السُّنَّنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمَسِ فَلَكَ سَاقِيَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ وَ لَكَ فَضْلَيَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ
الثَّاوِيلِ وَ عَدُوكَ عَدُوُّ اللَّهِ جَاهِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ يَدْعُو بِاطِّلاً وَ يَحْكُمُ حَائِرًا وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى
النَّارِ وَ عَمَارٌ يُجَاهِدُ وَ يُنَادِي بَيْنِ الصَّفَيْنِ الرَّوَاحَ الرَّوَاحَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ لَمَّا اسْتَسْقَى فَسْقِيَ الْلَّبَنَ كَبَرَ وَ قَالَ
قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَخْرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضَيَّاً مِنْ لَبَنِ ،

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را پروا کنید، و با راستگویان باشید.
مولای من حق بر تو نمایان شد، درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند،

و تو روشاهی دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی،

توراست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن،

و توراست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تأویل،

و دشمن تو دشمن خدا، و انکارکننده رسول خدا است،

دعوت می کند دعوت باطل، حکومت می کند به ستم، فرمان می دهد غاصبانه،

دارودسته اش را به دوزخ می خواند،

درحالی که عمار جهاد می کرد و میان دو لشگر فریاد می زد:

کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت،

و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت:

رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) به من فرمود:

آخرین نوشیدنی ات از دنیا مخلوطی است از شیر،

و تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَةُ فَاعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَهُ اللَّهُ وَ لَعْنَهُ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ
أَجْمَعِينَ وَ عَلَى مَنْ سَلَّ سَيِّفُهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّتْ سَيِّفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ
الْدِينِ وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ وَ لَمْ يَكُرْهُهُ وَ أَغْمَضَ عَيْنَهُ وَ لَمْ يُنْكِرْ أَوْ أَغْانَ عَلَيْكَ بَيْدٍ أَوْ لِسَانٍ أَوْ قَعْدَ
عَنْ نَصْرِكَ أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَ جَحَدَ حَقَّكَ أَوْ عَذَلَ بَكَ مِنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ
نَفْسِهِ وَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ وَ ثَبَيَاتُهُ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنَ الْكَلِّ الطَّاهِرِينَ،

و تو را گروه متجاوز به قتل می رساند،

پس ابو العادیه فزاری راه را بر عمار گرفت و او را کشت، بر ابو العادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان
خدا و همه پیامبران،

و لعنت بر کسی که شمشیر به روی تو کشید، و تو به روی او شمشیر کشیدی،

ای امیر مؤمنان،

از مشرکان و منافقان تا روز قیامت،

و بر آن که خشنود شد به آنچه تو را غمگین ساخت،

و غم تو را ناخوش نداشت و دیده برهم نهاد و بی تقاویت گذشت، و علت و عاملش را انکار نکرد،

یا علیه تو به دست و زبان کمک کرد، یا از یاری اش دست کشید،

یا از جهاد نمودن به همراه تو، کناره گیری کرد، یا فضل تو را کوچک شمرد، و حقّ را انکار کرد،

یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به او از خود او،

و درودهای خدا و رحمت و برکات و سلام و تحیّاتش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو،

إِنَّهُ حَمِيدٌ مَحِيدٌ وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْخَطْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدَكَ غَصْبُ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ
سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَكَاً وَ رَدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدَيْنِ سُلَالَتِكَ وَ عِثْرَةِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ قَدْ أَعْلَى اللَّهُ
تَعَالَى عَلَى الْأَمَمِ دَرَجَتُكُمْ وَ رَفَعَ مَنْزِلَتُكُمْ وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ فَلَدَّهَبَ عَرَكُمُ الرِّجْسَ وَ
طَهَرَكُمْ تَطْهِيرًا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هُلُوقًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَرُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنْوِعًا
إِلَّا الْمُصَلَّيْنَ فَاسْتَثْنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَ أَنْتَ يٰسِيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ فَمَا أَعْمَمَ مَنْ
ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ ،

و غصب فدک صدیقه طاهره زهره سرور زنان،

و نپذیرفقن گواهی تو و گواهی دو سرور از نژادت و عترت مصطفی است! (درود خدا بر شما باد) ،
و حال آن که خدا درجه شما را بر امت برتر گرداند، و منزلت شما را رفیع قرار داد،

و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار ساخت، و پلیدی را از شما برد،

و پاکتان ساخت پاک ساختنی ویژه،

خدا عزّ و جلّ فرمود:

انسان بسیار حریص آفریده شده، چون گزندی به او در رسد بی صبری کند، و چون خیری به او در
رسد دریغ ورزد، جز نمازگزاران،

پس خدای تعالی، پیامبر برگزیده اش را و تو را، ای سرور جانشیان از همه خلق استثنای کرد،

پس آنان که به تو ستم کردند، چقدر از دیدن حق کور بودند،

ثُمَّ أَفْرَضْتُكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرًأً وَ أَحَادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ حَوْرًا فَلَمَّا آتَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَى مَا أَجْرَيْتَهُمْ رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ فَأَشْبَهَتْ مِحْنَتَكَ بِهِمَا مِنْ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ الْأَنْصَارِ وَ أَشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ وَ أَطْعَتَ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلَ صَابِرًا مُحْسِبًا إِذْ قَالَ لَهُ يَا بُنْيَيْ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَا دَائِرَ قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمِنُ سَتَجُونِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمْرَكَ أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقِدِهِ وَاقِيًّا لَهُ بِنَفْسِكَ أَسْرَعْتَ إِلَى إِجَابَتِهِ مُطِيعًا وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْفَتْلِ مُوطِنًا،

سپس سهم خویشان پیامبر را از باب فریب برای تو مقرر داشتند،

ولی به جور و ستم از اهلش برگرداندند ،

چون حکومت به تو برگشت با خویشان پیامبر درحالی که از آن دو نفر روی گردان بودی،
بخاطر پاداشی که نزد خدا برای تو بود، به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند،
پس گرفتاری تو به آن دو نفر به گرفتاری پیامبران (درود خدا بر ایشان) در هنگام تنها و بی یاوری
شیبیه شد،

و در آرمیدن در بستر پیامبر شیبیه به اسماعیل ذبیح (درود بر او) شدی چه آن که تو نیز مانند او قبول
کردی، و اطاعت نمودی به همان صورت که اسماعیل صابرانه و پاداش خواهانه اطاعت کرد،

وقتی که ابراهیم به او گفت :

«پسرم در خواب دیدم که ترا ذبح می کنم، بنگر که رأی تو چیست؟» ؟

گفت : «پدر به آنچه دستور داده شده ای اقدام کن، اگر خدا بخواهد مرا از برداران خواهید یافت» ،
و تو نیز زمانی که پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در بستری خواباند و به تو فرمان داد در
خوابگاهش بیارامی، و او را با جانت از شر دشمنانش حفظ کنی، فرمان بردارانه به پذیرش دعوتش
شناختی، و خود را برای کشته شدن آماده کردی،

فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ وَ أَبَانَ عَنْ جَمِيلٍ فِعْلَكَ بِقُولِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَسْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ثُمَّ مِحْنَتَكَ يَوْمَ صِفَيْنَ وَ قَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيلَةً وَ مَكْرًأً فَأَعْرَضَ الشَّكُّ وَ عَزْفُ الْحَقُّ وَ أَثْبَعَ الظَّنَّ أَشْهَدَتْ مِحْنَةً هَارُونَ إِذْ أَمْرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَ هَارُونُ يُنَادِي بِهِمْ وَ يَقُولُ يَا قَوْمَ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَ إِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَ اطْبِعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ يَا قَوْمَ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَ حُدْعُتُمْ فَعَصَوْكَ وَ خَالُفُوا عَلَيْكَ وَ اسْتَدْعُوا نَصْبَ الْحَكَمَيْنَ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَ تَرَأْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ فَوَضْتَهُ إِلَيْهِمْ فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَ سَفَهَ الْمُنْكَرُ وَ اعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَ الْجَوْرِ عَنِ الْقُصْدِ اخْتَلُفُوا مِنْ بَعْدِهِ وَ الْأَرْمُوكَ عَلَى سَفَهِ الْتَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ وَ أَحْنُوْهُ وَ حَظَرْتَهُ وَ أَبَاحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوا،

در نتیجه خدا از فرمان برداریت قدردانی کرد، و از کار زیبایت به گفتارش جلّ ذکر در قرآن پرده
برداشت، آنجا که فرمود :

«و از مردم کسی است که جانش را برای بدست آوردن خوشنودی خدا می فروشد»

سپس گرفتاریت در جنگ صفين، درحالی که قرآن ها از روی حیله و فریب به نیزه ها بالا رفته بود، در نتیجه شک و تردید پیدا شد، و حق به یک سو افتاد، و از گمان پیروی شد، این گرفتاری ات شبیه به گرفتاری هارون شد، زماین که موسی او را بر قوم خود امارت داد، آنها از او پراکنده شدند، هارون بر سر آنان فریاد می زد و می گفت :

ای مردم شما به گوشه آزمایش شده اید به درستی که پروردگار شما خدای بخشنده است،

از من پیروی کنید.

و از دستورم پیروی نمایید، گفتن همچنان روی آور به گوشه خواهیم بود، تا موسی به سوی ما بازگردد !

و همچنین تو ای امیر مومنان، همین که قرآنها بالا رفت گفتی:

ای ملت شما به آن آزمایش شدید و گرفتار نیرنگ گشته اید، اما از خواسته تو سربیچی کردند، و با تو به مخالفت برخاستند، و گماشتن دو داور را از تو تقاضا نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز زدی، و از عمل آنان به سوی خدا بیزاری جستی، و آن را به خودشان واگذشتی، پس زمانی که حق آشکار شد، و خطای منکر روشن گشت، و به لغتش و انحراف از راه حق اعتراف کردند، پس از آن دچار اختلاف شدند، و از روی بی خردی تو را مجبور به پذیرفتن حکمیت کردند، حکمیتی که از آن سرباز زدی و آنان می خواستند و تو از آن باز داشتی، روا دانستند گناهانشان را که مرتكب شدند،

وَ أَنْتَ عَلَى نَهْجٍ بَصِيرٌةٍ وَ هُدًى وَ هُمْ عَلَى سُنْنِ ضَلَالٍٰ وَ عَمَّى فَمَا زَالُوا عَلَى النَّفَاقِ مُصِرِّينَ وَ فِي الْغَيِّ
مُتَرَدِّيْنَ حَتَّى أَذَاقُهُمُ اللَّهُ وَبَالْ أَمْرِهِمْ فَأَمَاتَ ِسِيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقِّيَ وَ هَوَى وَ أَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهُدِيَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةٌ وَ رَائِحَةٌ وَ عَاكِفَةٌ وَ ذَاهِبَةٌ فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَ صَفَّكَ وَ لَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ
أَنْتَ أَحْسَنُ الْخُلُقِ عِبَادَةً وَ أَخْلَصُهُمْ رَهَادَةً وَ أَدْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ أَقْمَتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهَدِكَ [وَ فَلَّتَ
غَسَّاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسِيْفِكَ تُخْمِدُ لَهُبَ الْحُرُوبِ بِبَيَانِكَ وَ تَهْتَكُ سُثُورَ الشَّبَّهِ بِبَيَانِكَ وَ تَكْشِفُ لَبَسَ الْبَاطِلِ عَنْ
صَرِيحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غَنِّيٌ عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِيظِ
الْوَاصِفِينَ،

تو بر راه بینایی و هدایت بودی،

و ایشان بر روش های گمراهی و کوری، همچنان بر نفاق اصرار داشتند،

و در گمراهی سرگردان بودند، تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشاند،

و کسی را که با تو دشمنی کرد با شمشیرت به نابودی کشید، پس بدخت و نگون سار شد،

و با حجت تو زنده کرد کسی را که سعادت یافت، و راهنمایی شد.

درود خدا بر تو باد بامداد و شامگاه،

در حضر و در سفر،

بر و صفت مدح کننده ای احاطه نکند، و عیب جویی برتری ات را نابود ننماید،

تو در عبادت بهترین خلقی، و در پارسایی خالص ترین آنانی، و در دفاع از دین سرخست ترین ایشان،
با کوششت حدود خدا را بپا داشتی، و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی،

با سرانگشت هایت شعله جنگها را خاموش ساختی، و با بیانت پرده های شبه را دریدی،

و آمیختگی باطل را از حق روشن برطرف کردی،

سرزنش هیچ سرزنش کننده ای تو را در راه خدا نگرفت،

مدح خدای تعالی تو را بی نیاز کرد از مدح مذاحان و ستایش وصف کننگان،

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا
بَذَلُوا تَبْدِيلًا وَ لَمَّا رَأَيْتَ أَنْ قَاتَلَ النَّاكِثُونَ وَ الْفَاسِدُونَ وَ صَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
وَ عَدْهُ فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ قُلْتَ أَمَا آنَّ أَنْ تُخْضِبَ هَذِهِ أَمْ مَئِيَّ بَيْعَثُ أَشْقَاهَا وَ اتْقَا بَلَّنَكَ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّكَ
وَ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ مُسْتَبْشِرٌ بِيُبَيِّعَكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَهِ
أَنْبِيَائِكَ وَ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ إِجْمِيعَ لَعَانِكَ ،

خدای تعالی فرمود:

از مؤمنان مردانی هستند که بآنچه با خدا بر آن پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند، گروهی بر سر
پیمان خود به شهادت رسیدند، و جمعی از آنان انتظار می شکند، و به هیچ روی تغییر نکرند.
زمانی که دیدی پیمان شکنان و ستمکاران و بیرون رفتگان از دین را کشتی،

و رسول خدا (که درود خدا بر او و خاندانش باد) وعده اش را به توراست گفته بود، و تو هم به
عهدهش وفا کردی، گفتنی: آیا وقت آن نرسیده که این محسان به خون سر رنگین شود؟ ،

با چه زمان بدخت ترین این ملت برای این کار برانگیخته می شود،

اطمینان داشتی به اینکه بر پایه بر هانی از پروردگارت و بصیرت از کلت هستی،

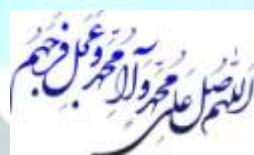
وارد شونده بارگاه خدایی، شادان به معامله ای که انجام دادی، و این است آن رستگاری بزرگ.
خدایا کشندگان پیامبرانت، و جانشینان انبیافت را به تمام لعنهایت لعنت کن،

وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ وَ الْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَ لِيَكَ حَقَّهُ وَ أَنْكَرَ عَهْدَهُ وَ جَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ وَ الْإِقْرَارِ بِالْوُلَايَةِ لَهُ
يَوْمَ أَكْمَلَتَ لَهُ الدِّينَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ وَ أَشْيَاعُهُمْ وَ أَنْصَارَهُمُ اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي
الْحُسَيْنِ وَ قَاتِلِيهِ وَ الْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَ نَاصِرِيهِ وَ الرَّاضِيَنَ بِقَتْلِهِ وَ خَازِلِيهِ لَعْنَا وَ بِيَلا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ طَالِمٍ ظَلَمَ آلَّ مُحَمَّدٍ

وَ مَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمُ اللَّهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ طَالِمٍ وَ غَاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَ كُلَّ مُسْتَنِّ بِمَا سَنَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ [وَآلِ مُحَمَّدٍ] [خَاتِمِ النَّبِيِّنَ وَ عَلَى عَلِيٍّ سَيِّدِ الْوَصِيَّنَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِيَّنَ وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ
مُتَمَسِّكِينَ وَ بِوَلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَلَزِيَّنَ الْأَمِينِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْرَثُونَ.

و آنان را ملازم حرارت آتشت گردان،
 و لعنت کن کسی را که حق ولی ات را غصب کرد، و پیمانش را انکار نمود،
 و او را پس از یقین و اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی منکر شد،
 خدایا قاتلان امیر مؤمنان و کسانی که به او ستم کردند، و پیروان و یاران آنان را لعنت کن
 خدایا ستم کنندگان بر حسین را لعنت کن،
 و همچنین قاتلانش، و پیروی کنندگان از دشمنش و یاوران دشمنش، و راضیان به قتلش،
 و دریغ کنندگان از یاری اش لعنتی شدید و سخت،
 خدایا لعنت کن اول ستمکاری که به خاندان محمد ستم کرد، و آنان را از حقوقشان بازداشت،
 خدایا اول ستمکار و غاصب حق خاندان محمد را به لعنت اختصاص ده،
 و هر پیروی کننده از آنچه او شیوه ساخت تاروز قیامت.
 خدایا درود فرست بر محمد خاتم پیامبران،
 و بر علی سورور او صبا، و خاندان پاکش،
 و ما را قرار ده از متمسکین به آنان،
 و از کامیابان به ولایت شان،
 و ایمنی ای که نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می شوند.





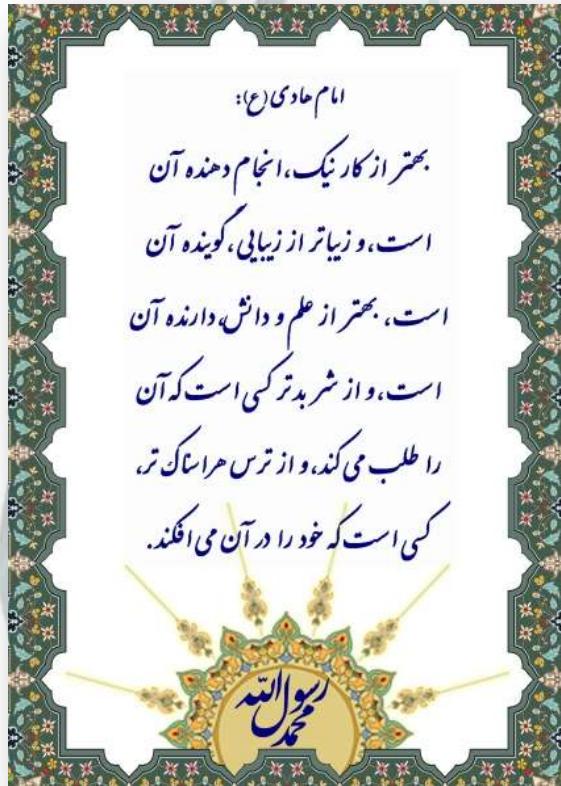
السلام علیکم يا علیی بن محمد الهاجی النقی علیه السلام



امسوس خوتمی خارهای خداشته را با قلاش در آینده
جبران خنید.

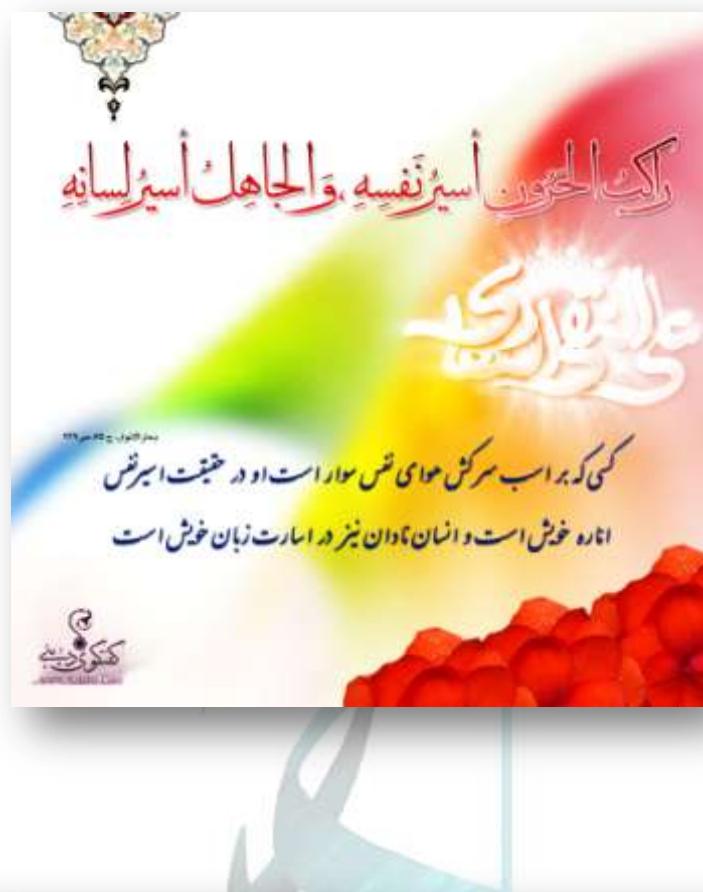
امام حادی (ع):

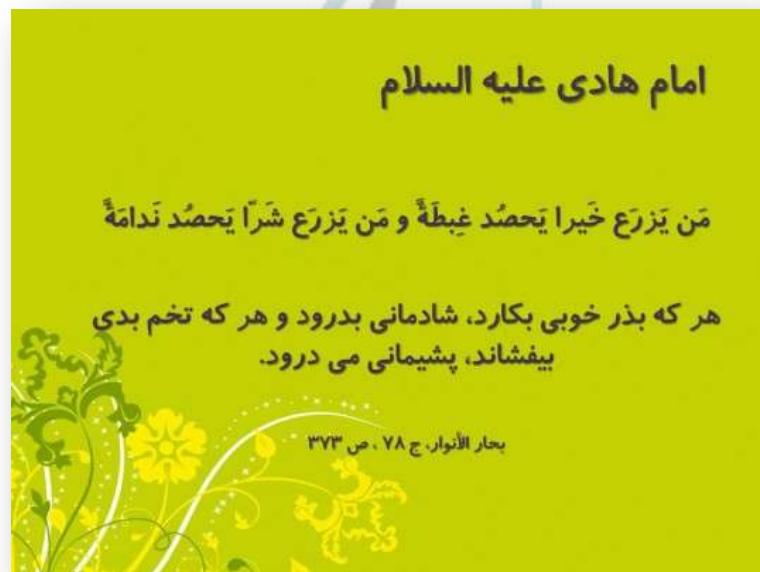
بمحتراز کارنیک، انجام دهنده آن
است، وزیاتر از زیبایی، گوینده آن
است، بمحتراز علم و داشت، دارنده آن
است، واژ شربد ترکی است که آن
را طلب می کند، واژ ترس هراساک تر
کی است که خود را در آن می افکند.



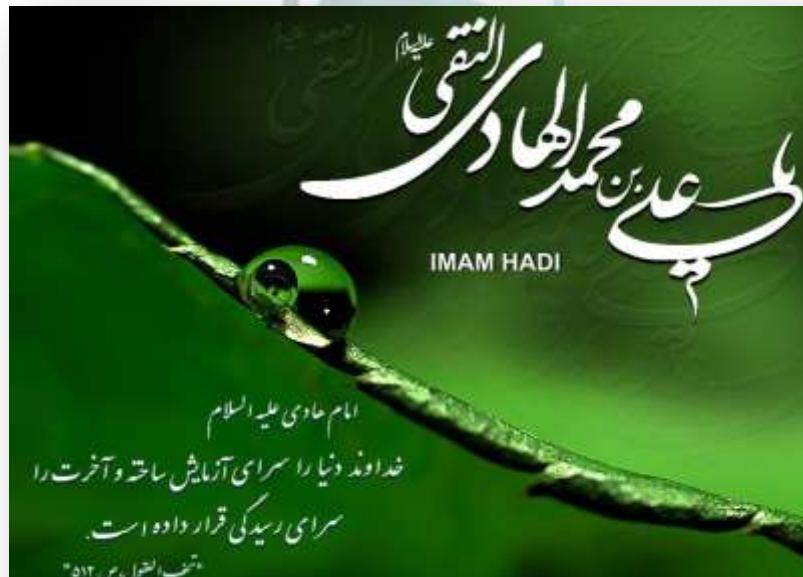














امام هادی علیه السلام:

الْدُّنْيَا سُوقٌ رَّبَحَ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخَرُونَ

دنیا همانند بازاری است که عده‌ای در آن (برای آخرت)
سود می‌برند و عده‌ای دیگر ضرر و خسارت متحمل
می‌شوند.

reza-tavakolfard.blogfa.com
بیه نام خدا، بیه یاد خدا، بیهای خدا

















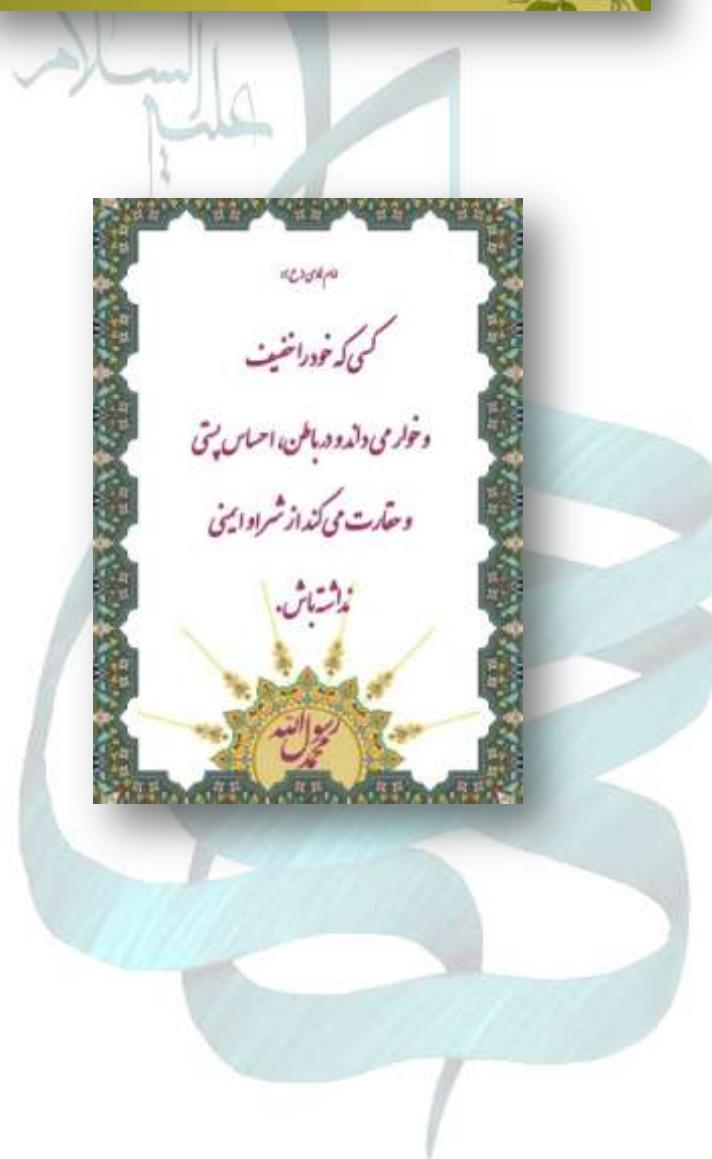
سلام











اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّعَلَّمْ عَلَيْهِ الْخَيْرَ

<http://www.aparat.com/v/sPKBu>

شعرخوانی حمیدرضا برقعی در مدح امام هادی علیه السلام

تقدیم به دل های دریایی تان



: منابع

<http://www.erfan.ir/farsi>

<http://www.hawzah.net/fa/Default.aspx>

<http://ketabnak.com/book/58800/%D9%82%D9%82%D9%86%D9%88%D8%B3>



به پیان آمد این دفتر حکایت بهمنان باقی است

اللہم دعا

